



۱۰ کارشناس روابط بین الملل
دیدار رؤسای جمهوری
چین و آمریکا را ارزیابی کردند

ترامپ مقهور قدرت‌نمایی شی

۴ ۵ ۶

• شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵
• ۲۸ ذقعد ۱۴۴۷
• ۱۶ مه ۲۰۲۶
• سال سی و دوم
• شماره ۹۰۲۶
• ۱۶ صفحه

Iran
Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

ایران

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی، تأکید کردند

استقلال تمدنی با پدافند زبانی و گفتمانی

رئیس جمهوری: فردوسی، میان پهلوانان ملی و دینی پیوند ماندگار برقرار کرد



عراقی در اجلاس «دملی نو» مواضع ایران درباره تحولات اخیر منطقه و خلیج فارس را تبیین کرد

بریکس؛ صحنه نمایش قدرت جدید ایران

پژشکیان به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی:

فردوسی، میان پهلوانان ملی و دینی پیوند ماندگار برقرار کرد

رئیس جمهور مسعود پزشکیان در پیامی در حساب کاربری خود در شبکه ایکس به مناسبت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی نوشت: «ایران، سرزمین دانایان و مفاهیم انسان‌ساز، سلحشورانه و قرآنی شاهنامه، همه اقوام و اقشار ایران را در حفظ هویت، اصالت و استقلال خود و مبارزه با «حکاک‌وشان» متجاوز، همدل و همراه و همساز می‌کند. این حماسه حضور و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ ماندگار کنند. از سوی دیگر مقاومت غیورانه و پیروزی افتخارآمیز در برابر تهاجم دیوسیرتاز و شیاطین جهان، ملت را برای پاسداری از استقلال تمدنی و مقابله با تهاجم زبانی، فرهنگی و سبک زندگی آمریکایی، آماده کرده است تا با ابتکار و نوآوری فعالان عرصه فرهنگی در جهت تأمین پدافند زبانی و گفتمانی و رشد و بالندگی کودکان، جوانان و جوانان، مراحل باقیمانده تا پیروزی نهایی را با استواری بیشتر ببیماید، بگویند الله تعالی.

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی، تأکید کردند

استقلال تمدنی با پدافند زبانی و گفتمانی

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، با اشاره به ظرفیت گسترده زبان و ادب فارسی برای ترویج فرهنگ و تمدن غنی ایران اسلامی در گستره جهانی، تأکید کردند: «حماسه حضور و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ ماندگار کنند.»

بسم الله الرحمن الرحیم
زبان فارسی علاوه بر ابزار گفتار و نوشتار، قالب شناخت و رشته اتصال اندیشه و مرزهای هویتی ایرانیان را تشکیل می‌دهد. زبان و ادب فارسی یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌ها برای ترویج فرهنگ و تمدن غنی ایران اسلامی در گستره جهانی است و توصیه رهبر حکیم و شهیدمان اعلی‌الله مقامه‌الشریف به قدرتمند شدن زبان فارسی، چراغ راه اقتدار «تمدن ایرانی-اسلامی» می‌باشد.

سرمایه جوادان ایران

درنگی در پیام امیدبخش رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی



رضا اسماعیلی
شاعر و پژوهشگر

و بی نظیر ملت حماسی ایران در دو جنگ اخیر- جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان - خطاب به اصحاب فکر و فرهنگ می‌فرمایند: «این حماسه حضور و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملت را در تاریخ، ماندگار کنند.» تأکید هوشمندانه رهبری بر بهره‌گیری از شاهنامه برای روایت هنرمندانه «جنگ رمضان» و حماسه «بعثت مردم»، تأکیدی شایسته و قابل ستایش است. چراکه شاهنامه فردوسی آیینی بی‌غبار فرهنگ و هویت ایرانی و صحیفه روشن مکارم اخلاقی و انسانی است. حکیم فردوسی عیار و اعتبار نظم بلند پارسی و قافله‌سالار عرصه شعر حماسی است. بدون اغراق می‌توان گفت که زبان پارسی هستی و چیستی خود را مدیون آن دهقان زاده پاک‌نهاد و آیین‌ه‌زاد است؛ شاعری که با زنجی سی‌ساله، کاخی بلند از زبان پارسی بنا کرد که تا به امروز از گزند باد و باران در امان مانده و روز به روز نیز بزرگ‌شکوه و عظمتش افزوده می‌شود:

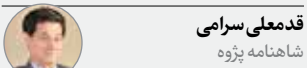
بی‌افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیاید گزند

شاعری که با آفرینش شاهکار بی‌بدیل «شاهنامه» ضامن مانایی و ماندگاری زبان پارسی شده و به این زبان هورایی رنگ بی‌زمانی و جاودانگی زده‌است.
چون کلام آنکه پاسداشت زبان پارسی بدون بزرگداشت یاد و نام بلند فردوسی امری محال و ناممکن است. اگر می‌خواهیم زبان پارسی همچون گذشته «چراغ راه» اقتدار «تمدن ایرانی اسلامی» باشد، چاره‌ای جز بازگشت به شاهنامه فردوسی» و بازخوانی این گنجینه بی‌بدیل فرهنگی نداریم. باید همیشه یادمان باشد که بزرگداشت فردوسی، علاوه بر پاسداشت زبان و کبان پارسی، بزرگداشت ارزش‌های حیوانی و قرآنی و تعظیم و تکریم انسان و کرامت‌های انسانی است. از این رو شایسته‌تر آن است که نه فقط در یک روز، بلکه روزها و روزها در پاسداشت میراث جوادانه‌اش بگوشیم و از شاهنامه‌اش جام حکمت و معرفت بنوشیم- اینچنین باد.

پیام مهر و مینهن

تأکید فردوسی برای پرهیز از تفرقه و ضرورت همدلی



قدملعی سرامی
شاهنامه پژوه

دنیای ما این سه پسر خود تقسیم می‌کند. ایران را به ایرج، توران را به تور و غرب دنیای آن زمان را به سلم می‌دهد. برادران با هم درگیری می‌شوند، چون بخش بهتر به پسر کوچک‌تر (ایرج) رسیده است. در آخر هم این داستان تا جایی ادامه پیدا می‌کند که ایرج به دست تور کشته می‌شود. این برادرگشایی که در ادبیات فارسی آغاز بسیاری از مشکلات است، در ادبیات سامی - که عربی هم جزو آن محسوب می‌شود- به داستان هابیل و قابیل می‌رسد. یکی از بدترین موضوعات در عالم به تعبیر حماسه، عرفان و اساطیر، برادرگشایی است، چون همه انسان‌ها به خصوص در آیین ایرانی با هم برادر هستند. ایرانیان در روزگار مهرپرستی-میترائیسم- قبل از آنکه زرتشتی‌گری شروع شود، همدیگر را برادر خود می‌دانستند. این اندیشه برادری در ادبیات اسلامی نیز جایگاه مهمی دارد، البته آنچه می‌گویند مؤمنون: «انما المؤمنون اخوه».

بخشندگان عمرند/ ساقی بده بشارت زندان پارسا را» فارسی و پارسا یک بن و ریشه دارند. در شرایط فعلی که روزگار جنگ و مذاکرات را می‌گذرانیم، به تعبیر شاهنامه باید خودمان را جدی بگیریم، با هم برادر باشیم، از تفرقه دوری کنیم و بر ضد هم نباشیم؛ بنی‌آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چه غنوی به‌درد آورد روزگار دگر عضوها را نمانند قرار خود هم نباشیم؛ یکی از محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی وقتی شایستگی انسانی پیدا کردیم باید بگوئیم تا جای ممکن ستیز را در بین خود نایبیم. اگر با دیگران هم ستیزی پیش آمد، آن را حل و فصل کنیم. در اندیشه ایرانی هر انسانی دو مادر دارد: مادر خون و مادر خاک. خاک منظور مینهن ما است، همان‌طور که احترام مادر خود را حفظ می‌کنیم، باید هزاران برابر مادر خاکی خود را دوست داشته باشیم. این است که پیشنها من آن است که کتابی برای همه ساکنان کره زمین نوشته شود، یک اثر فشرده از اندیشه‌های شاهنامه که به هم زبان‌های بزرگ جهان ترجمه شود. همچنین بایستی در مدارس ایران در همه دوره‌ها و پایه‌ها شاهنامه تدریس شود.

نگهبانی ایران با حماسه و خرد

همراه یادداشت‌هایی از محمد جعفر یاحقی، سید جواد میری، وحید شالچی، غلامرضا ظریفیان، غلامعلی دهقان، رضا اسماعیلی و قدمعلی سرامی

گزارش «ایران» از نشست «جنگ و مذاکره در شاهنامه»
با سخنرانی نسرین فقیه ملک مرزبان

رئیس سازمان بهزیستی کشور
با تأکید بر ایجاد بانک زمان مطرح کرد

حرکت از «دولت رفاهی»
به «جامعه رفاهی»

بازخوانی اولین نمایش فیلم جدید اصغر فرهادی
در جشنواره کن

تولد خلاقیت از دل آشفستگی

از «گاؤ» تا «داستان‌های موازی»: شش دهه روی فرش کن
نام اصغر فرهادی حالا یک برند معتبر سینمایی است که هر اثرش می‌تواند توجه مخاطبان جهانی سینما را جلب کند و این یک سرمایه فرهنگی بزرگ برای فرهنگ و هنر ایرانی است.

محمد عطریانفر
در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

چگونه در تنگنای جنگ
ایران دچار قحطی نشد؟

رویکرد وفاق دولت، صداهای پراکنده را
در مسیر همگرایی قرار داد

انجمن بلاکچین در گزارشی
از تاب‌آوری کسب و کارهای داخلی عنوان کرد

خسارت ۷۰۰ همتی
به اقتصاد دیجیتال



گفت‌وگو با رسول نوروزی
استاد دانشگاه تربیت مدرس

ورزش می‌تواند نظام عاطفی
مشترک در جامعه ایجاد کند

مسئولیت اجتماعی نباید
تنها بر دوش ورزشکاران قرار گیرد

خبر

عارف راهبرد جدید کشور را حکمرانی
مبتنی بر علم و فناوری خواند

حمایت دولت
از بازگشت نخبگان به کشور

معاون اول رئیس جمهور روز پنجشنبه، در ادامه بازدیدهای میدانی خود از وزارتخانه‌ها، دستگاه‌ها و مراکز، به دیدار اعضای باشگاه دانش‌پژوهان جوان رفت. معاون اول رئیس جمهور نخبگان ایرانی خارج از کشور را یک سرمایه عظیم ملی دانست و اظهار کرد: «دولت بابت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور آنان را سرزنش نمی‌کند ولی اگر این نخبگان قصد بازگشت به کشور را داشته باشند، از آنان حمایت و قدرتی می‌کند.» محمد رضا عارف با تأکید بر اینکه حکمرانی مبتنی بر علم و فناوری، راهبرد جدید کشور است، گفت: «خط مقدم جوان پژوهشگر و دانشمند ما جبهه نبرد نظامی نیست بلکه میدان پژوهش و علم و اتاق‌های دانش و فناوری است؛ البته آثار کار پژوهشگران در میدان نبرد با دشمن قابل مشاهده است و راهبرد جدید کشور حکمرانی مبتنی بر علم و فناوری است.» معاون اول رئیس جمهور در ادامه با اشاره به راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای کنترل و مدیریت تنگه هرمز پس از جنگ رمضان، خاطرنشان کرد: «ایران امروز صاحب تنگه هرمز بوده و به هیچ‌قیمت آن را از دست نمی‌دهد. این تنگه، ملک مطلق مردم ایران است که البته ما مدتی از مزایای این آبراهه بهره‌نبرده بودیم اما اکنون قصد استفاده از آن را داریم.» وی همچنین در بازدید از سازمان فضای کشور، گفت: «جمهوری اسلامی ایران امروز یک ابرقدرت است اما منظور ما از ابرقدرت بودن، به معنا و مفهوم کاربرد قدرت در دنیای غرب و استعمار نیست بلکه به این معنی است که ما قصد داریم با علم و فناوری به انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، دین و ملیت خدمت کنیم.» عارف در ادامه اظهار کرد: «راهبرد دشمنان درباره ایران همواره اشتباه بوده است. آنان می‌گویند اطلاعاتی نداریم در ایران چه کسی مسئولیت اصلی را برعهده دارد. من پاسخ دشمن را می‌دهم که در ایران مردم همه کاره هستند. مردمی که حدود ۸۰ شب در خیابان حاضر بوده و از کشور و نظام دفاع می‌کنند. دشمن رهبر عالمگیر ما را شهید کرد اما به برکت خون رهبر شهید، مردم منسجم‌تر شده و از کشور، دفاع و نقشه و توطئه‌های دشمن را خنثی کردند.» وی با اشاره به حملات و وحشیانه دشمن به زیرساخت‌های کشور، تصریح کرد: «راهبرد دشمن آسیب‌رساندن به زیرساخت‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی بود چون دشمنان با علم و دانش ایران این مراکز و زیرساخت‌ها بلکه بهسازی و نوسازی آنها را هدف قرار دادند و فناوری روز دنیا است.» معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر همدلی و انسجام میان خیابان، میدان و دولت، گفت: «هر سه جبهه با تقسیم کار، انجام وظایف متعدد در برعهده دارند و هیچ اختلافی میان این سه وجود ندارد و خیابان، میدان و دولت بیشتر از هر زمان دیگری متحد و منسجم هستند.»



عراقچی با حضور در اجلاس «دهلی نو»

مواضع ایران درباره تحولات اخیر منطقه و خلیج فارس را تبیین کرد

بریکس؛ صحنه نمایش قدرت جدید ایران

گزارش

حضور سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در تازه‌ترین نشست وزرای خارجه بریکس در روزهای پنجشنبه و جمعه به میزبانی دهلی نو به صحنه‌ای برای نمایش موقعیت تازه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شد؛ موقعیتی که پس از تنش‌های گسترده و روپارویی نظامی در خلیج فارس میان ایران، آمریکا و اسرائیل اکنون با قرارتی متفاوت از سوی بسیاری از ناظران بین‌المللی همراه شده و تهران را در جایگاهی توصیف می‌کند که توانسته است از دل یکی از پیچیده‌ترین منازعات سال‌های اخیر با دست برتر سیاسی و راهبردی خارج شود. در چنین فضایی، اجلاس بریکس علاوه بر اینکه بستری برای تبیین رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به ساختار نامعادلانه و یک‌جانبه‌گرایی حاکم بر نظام بین‌الملل فراهم آورد، به فرصتی کم سابقه برای تأکید بر ضرورت حرکت این بلوک نوظهور به سوی هم‌افزایی راهبردی، تعمیق پیوندهای اقتصادی، ادغام زنجیره‌های ارزش و سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌های حیاتی تبدیل شد؛ روندی که از نگاه تهران می‌تواند موازنه قدرت جهانی را از انحصار سنتی غرب خارج سازد. سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا و متحدانش می‌داند؛ مواضعی که با هشدار صریح وزیر خارجه ایران درباره نقش امارات به عنوان یکی از اعضای بریکس و ضلع فعال در جنگ تجاروکارانه علیه ایران، ابعاد تندتر و معنادارتری نیز به خود گرفت.

ضرورت حرکت بریکس به همکاری راهبردی

عراقچی در اولین روز نشست وزرای خارجه بریکس

تأکید کرد جهان در نقطه‌ای تاریخی میان تداوم ساختارهای فرسوده یا حرکت به سوی نظامی عادلانه‌تر و متوازن قرار گرفته است. او نواوری را ضرورتی راهبردی دانست و گفت جهان باید «مدیریت بحران» به «مدیریت فرصت» عبور کند. به گفته وی، این مسیر بر چهار محور اصلی «نواوری، تاب‌آوری، همکاری و پایداری» استوار است. عراقچی با اشاره به اینکه نواوری نباید تنها به فناوری محدود شود، بر ضرورت تحول در شیوه‌های حکمرانی، مدل‌های توسعه و ساختارهای مالی تأکید کرد. او خواستار کاهش شکاف‌های دیجیتال و فناوری در بریکس شد و گفت دسترسی به دانش و فناوری باید از انحصار قدرت‌های سنتی خارج شده و به ابزاری عمومی برای رشد همگانی تبدیل شود. وی همچنین بر ایجاد اکوسیستم مشترک نوآوری میان اعضای بریکس تأکید کرد تا شرکت‌های نوپا، مراکز تحقیقاتی و سرمایه‌های انسانی کشورهای عضو در قالب همکاری هم‌افزا، برای حل چالش‌هایی مانند امنیت غذایی و انرژی فعالیت کنند. وزیر خارجه با اشاره به شوک‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و امنیتی جهان، جنگ‌ها را از عوامل اصلی بی‌ثباتی دانست و تجاوازت آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، غزه و لبنان را عامل خسارت‌های گسترده توصیف کرد. او تأکید کرد کشورهای بریکس باید برای افزایش تاب‌آوری، زنجیره‌های تأمین خود را ایمن، همسایه‌های پولی متبوع و ساختارهای دفاع اقتصادی مستقل ایجاد کنند. از نگاه او، توسعه زیرساخت‌های مالی مستقل، ذخایر راهبردی مشترک و تقویت امنیت سایبری، لازمه مقاومت در برابر فشارهای یک‌جانبه است.

هشدار تند تهران به ابوظبی

در «بریکس»

نشست وزرای خارجه بریکس در دهلی نو علاوه بر مباحث اقتصادی و سیاسی به صحنه تنش رقابتی میان ایران و امارات متحده عربی بر سر

چرا صدای ایران در بریکس بلندتر شده است؟

دهلی‌نودرهمزمانی با بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، صحنه تبلور گفت‌وگوهای ایران با بریکس است که از سنت حاکماتی ایران نسبت به میان خرد و قدرت را بازخوانی می‌کند و در سپهر بریکس، آن را به

افقی برای عدالت، چندجانبه‌گرایی و بازتعریف نظم جهانی بدل می‌سازد. سفر وزیر امور خارجه ایران به دهلی نو در مقطعی حساس از تحولات بین‌المللی صورت گرفت؛ مقطعی



امید بابلیان
کارشناس
شبه قاره

که نظام جهانی در میانه دگرگونی‌های بنیادین، فرسایش تدریجی ساختارهای سنتی قدرت و ظهور الگوهای تازه موازنه قرار گرفته است. در چنین شرایطی، نقش سازوکارهای نوظهوری چون بریکس در شکل‌دهی به آینده حکمرانی جهانی بیش از هر زمان دیگری برجسته شده و جمهوری اسلامی ایران این سازوکار را ظرفیتی راهبردی برای تقویت چندجانبه‌گرایی، ارتقای صدای جنوب جهانی و حرکت به سوی نظامی متوازن‌تر و عادلانه‌تر می‌داند. در همین چهارچوب، حضور عراقچی در دهلی نو مجموعه‌ای از رایزنی‌های فشرده دوجانبه و چندجانبه با مقام‌های عالی‌رتبه از جمله دیدار با نخست‌وزیر هند، مشاور امنیت ملی این کشور و وزیران امور خارجه کشورهای مؤثر عضو بریکس، تصویری روشن از

عراقچی گفت

که امارات با در

اختیار گذاشتن

پایگاه‌های

نظامی، حریم

هوایی، امکانات

لجستیکی

و اطلاعاتی

به آمریکا و

اسرائیل، در

حملات علیه

ایران نقش ایفا

کرده است. او

همچنین به

حمله‌ای اشاره

کرد که به گفته

وی در روز اول

جنگ به یک

مدرسه انجام

شد و بیش از

۱۷۰ دانش‌آموز

در آن کشته

شدند؛ حمله‌ای

که به گفته

عراقچی، امارات

حتی آن را

محکوم نکرد.

عراقچی در

ادامه با انتقاد از

رویکرد امنیتی

امارات گفت

اتکا به آمریکا

و اسرائیل نه

تنها امنیت این

کشور را تضمین

نکرد، بلکه آن

را در معرض

بحران قرار داد

وزیر امور خارجه در دهلی نو اعلام کرد

پیام‌های تازه آمریکا برای مذاکره



برش

وزیر امور خارجه در نشست خبری پایانی خود در دهلی نو با اشاره به وضعیت کنونی منطقه گفت: «ایران در شرایطی قرار دارد که برای وی افزود:» در حال حاضر وضعیت آتش‌بس برقرار است اما این وضعیت متزلزل بوده و تهران همچنان تلاش می‌کند به دیپلماسی فرصت دوباره بدهد تا مسیر یک راه‌حل مذاکره شده فراهم شود. مهم‌ترین مسأله کنونی، بحران اعتماد است و ایران نمی‌تواند به طرف آمریکایی اعتماد کند، بنابراین هر توافقی باید شفاف، دقیق و روشن باشد.» عراقچی همچنین گفت پیام‌های متناقضی از واشنگتن دریافت می‌شود و این تناقض‌ها از جمله مواضع متفاوت در یک روز بر بی‌اعتمادی‌ها افزوده است. او افزود: «آمریکا در حالی از توفیق مذاکرات سخنی می‌گوید که همزمان پیام‌هایی برای ادامه گفت‌وگو ارسال می‌کند و این وضعیت، نشانه سردرگمی در سیاست‌گذاری آن کشور است.» وی افزود: «اینکه گفته شد آمریکا پاسخ ایران به پیشنهاد آمریکا را رد کرده مربوط به چند روز قبل است که ترامپ توثیق زد و گفت غیرقابل قبول است و بعد از آن مجدد ما پیام‌هایی را از آمریکایی‌ها گرفتیم که مایل به ادامه گفت‌وگوها و تعامل هستند.» وی افزود: «حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران یک بار صورت گرفته و مدعی‌اند کاملاً نابود کرده‌اند ولی باز حرف از حمله به تأسیسات می‌زنند. این سخنان متضاد نشانگر عدم سردرگمی آمریکا نسبت به اهداف آنهاست؛ بسیاری از کشورهای آذغان دارند که آمریکایی‌ها در یک سردرگمی به سر می‌برند.»

موکول شدن بحث اورانیوم به مراحل بعدی مذاکرات

عراقچی درباره پیشنهاد روسیه برای انتقال اورانیوم غنی‌شده گفت: «ایران از نقش مسکو در کمک به حل مسائل قدرتمندی می‌کند، اما این موضوع در چهارچوب مذاکرات باید بررسی شود.» وی افزود در حال حاضر این مسأله در دستور کار فوری مذاکرات نیست و به مراحل بعدی موکول شده و در صورت رسیدن به آن مرحله، رایزنی‌های بیشتری با روسیه انجام خواهد شد.

تنگه هرمز و امنیت دریایی

وی درباره تنگه هرمز گفت این مسیر همچنان باز است و عبور کشتی‌ها ادامه دارد اما کشتی‌های کشورهای متخاصم باید هماهنگی لازم را انجام دهند. او افزود ایران پیش‌تر نیز به عبور امن کشتی‌های هندی کمک کرده و آماده ادامه این همکاری برای همه کشورهاست، زیرا تأمین امنیت کشتیرانی در راستای منافع ایران است. عراقچی

وزیر خارجه این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. در دیدار وزیر امور خارجه ایران با مشاور امنیت ملی هند، دو طرف آخرین وضعیت روابط دوجانبه را بررسی کرده و بر گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، ترانزیتی و انرژی تأکید کردند. عراقچی همچنین آخرین تحولات منطقه، روند جنگ و پیامدهای ناشی از تداوم ناامنی در غرب آسیا را تشریح کرد و خواستار اقدام مؤثر جامعه جهانی برای جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی شد. «آجیت دووال» نیز با ابراز نگرانی نسبت به ادامه تنش‌ها در منطقه بر ضرورت حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای تأکید کرد و آمادگی هند را برای کمک به کاهش تنش‌ها و پایان درگیری‌ها اعلام کرد.

عراقچی همچنین در ادامه رایزنی‌های خود با «سرگتی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه دیدار اقتصادی مستقل در چهارچوب بریکس بود. نقد تحریم‌های یکجانبه به‌عنوان ابزار فشار ساختاری علیه ملت‌های مستقل و تأکید بر لزوم تقویت زنجیره‌های همکاری اقتصادی، نشان داد که نگاه ایران به بریکس فراتر از یک موازنه‌سازی سیاسی صرف است؛ این نگاه، معطوف به طراحی معماری تازه‌ای برای استقلال اقتصادی و تاب‌آوری جمعی است. در حاشیه نشست نیز رایزنی‌های دوجانبه وزیر امور خارجه با هم‌تایان خود حامل نشانه‌های روشن از جایگاه تثبیت‌شده جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای بود. آنچه در این گفت‌وگوها برجسته شد، ادغام بسیاری از کشورها به نقش تعیین‌کننده ایران در تحولات منطقه و ضرورت بازنگری در محاسبات امنیتی و سیاسی متناسب با واقعیت‌های جدید بود. این تحول، نشان‌دهنده ورود منطقه به مرحله‌ای تازه از بازتعریف توازن‌های راهبردی است. پاسخ صریح

ایران همچون هشدار داد حضور نیروهای

خارجی در منطقه امنیت‌یابدار ایجاد نمی‌کند و کشورهای منطقه باید به جای اثبات خود مجموعه‌ای خارجی، به سمت همکاری و تقاضای منطقه‌ای حرکت کنند.

رایزنی‌های دوجانبه

با محور تنش‌های خلیج فارس

وزیر امور خارجه ایران در حاشیه نشست وزرای خارجه بریکس در دهلی نو مجموعه‌ای از دیدارهای دوجانبه را با مقام‌های ارشد کشورهای مختلف برگزار کرد که محور اصلی آنها بررسی تحولات اخیر منطقه، بویژه وضعیت خلیج فارس و جنگ اخیر در غرب آسیا بود. عراقچی در این چهارچوب با «نارندرا مودی» نخست‌وزیر هند، «آجیت دووال» مشاور امنیت ملی هند و همچنین «سوبرامانیام جایشانکار»

خدمت‌استمرار نوعی یکجانبه‌گرایی نهادی قرار گرفته‌اند، از جهات در حال توسعه آن را نمایندگی بخش مهمی از جهان در موضوع ثبات و اعتماد می‌کند. از این منظر، نقد صریح استفاده ابزاری از حقوق بین‌الملل، تحریم‌های یکجانبه و استانداردهای دوگانه، دفاعی نظری از اصل عدالت در حکمرانی جهانی بود. در این چهارچوب، تأکید قاطع عراقچی بر این‌که مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از مسیر تهدید و ابزارهای نظامی حل‌وفصل نمی‌شوند، حامل پیامی روشن برای منطقه و جهان بود مبنی بر اینکه امنیت‌یابدار تنها از رهگذر گفت‌وگو، احترام متقابل و ترنیتبیت درون‌رای منطقه‌ای حاصل می‌شود. این موضع، بازتاب همان عقلانیت راهبردی ایرانی است که قدرت را در خویش‌تنداری، تدبیر مسئولیت‌پذیری معنا می‌کند. یکی از برجسته‌ترین محورهای این حضور، تأکید بر ضرورت ایجاد سازوکارهای مالی و

مهم مرتبط با تحولات غرب آسیا و تنگه هرمز که در جریان سفر ترامپ به پکن رخ نمود، توافق‌های اولیه طرفین برای افزایش دسترسی شرکت‌های آمریکایی و سرمایه‌گذاری‌های متقابل آنها با چین بود که در همین راستا پکن نیز علاقه‌مندی خود به خرید بیشتر انرژی از منابع متنوع (از جمله آمریکا) را

در این میان چین که به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، بیش از ۸۰ درصد صادرات نفتی تهران را جذب می‌کند و برای تأمین انرژی خود بیش از هر زمان به ثبات در خلیج فارس وابسته است باید به هماهنگی در مواضع خود با قدرت مهاجم به این منطقه که از قضا اولین تهدید امنیتی او نیز به حساب می‌آید بپردازد. در این میان جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به تجاوز غیرقانونی آمریکا و اسرائیل که به باور بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین نقض آشکار حاکمیت ملی ایران، منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل بود، اقدام به عملیات‌های دفاعی، از جمله اعمال محدودیت تردد در تنگه هرمز کرد و تأکید نمود که تنگه برای کشتی‌های تجاری غیرمرتبط با متجاوزان باز است، اما محاصره و حضور نظامی آمریکا مانع اصلی جریان آزاد انرژی است. این موضع، «اهرمی ژئوپلیتیکی» را برای ایران در امر مقابله با تجاوز غیرقانونی آمریکا و رژیم اسرائیل ایجاد کرد و به موضوعی در جریان رایزنی‌های ترامپ در پکن تبدیل شد که در مواضع او در منطقه حفاظت‌شده چونگ‌نن‌های در پکن نیز مورد اشاره مستقیم قرار گرفت. یکی از نکات

با منافع ملی ایران مرتبط می‌شود. در حالی که بر مبنای اسناد امنیت ملی واشنگتن و پیش‌بینی‌های صورت گرفته جنوب و شرق آسیا باید امروز مورد تمرکز شوی و ترامپ قرار می‌گرفت اما سهم مهمی از مباحث غیردوجانبه و قدرت جهانی به غرب آسیا و تحولات آن اختصاص یافت. در این میان چین که به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، بیش از ۸۰ درصد صادرات نفتی تهران را جذب می‌کند و برای تأمین انرژی خود بیش از هر زمان به ثبات در خلیج فارس وابسته است باید به هماهنگی در مواضع خود با قدرت مهاجم به این منطقه که از قضا اولین تهدید امنیتی او نیز به حساب می‌آید بپردازد. در این میان جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به تجاوز غیرقانونی آمریکا و اسرائیل که به باور بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین نقض آشکار حاکمیت ملی ایران، منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل بود، اقدام به عملیات‌های دفاعی، از جمله اعمال محدودیت تردد در تنگه هرمز کرد و تأکید نمود که تنگه برای کشتی‌های تجاری غیرمرتبط با متجاوزان باز است، اما محاصره و حضور نظامی آمریکا مانع اصلی جریان آزاد انرژی است. این موضع، «اهرمی ژئوپلیتیکی» را برای ایران در امر مقابله با تجاوز غیرقانونی آمریکا و رژیم اسرائیل ایجاد کرد و به موضوعی در جریان رایزنی‌های ترامپ در پکن تبدیل شد که در مواضع او در منطقه حفاظت‌شده چونگ‌نن‌های در پکن نیز مورد اشاره مستقیم قرار گرفت. یکی از نکات

بدهیستان چین و آمریکا بر سر ایران در برابر امتیازاتی در تایوان یا حوزه فناوری سخن گفته‌اند که می‌تواند تهران و مسائلی را به «کارتنی برای معامله قدرت‌ها» تبدیل کند این امر گویا از سوی تهران مورد توجه و تدقیق قرار گرفته و سید عباس عراقچی به عنوان مسئول دیپلماسی جمهوری اسلامی را پیش از سفر ترامپ به پکن به دیدار ضروری با وانگ یی و پس از آن سفر به هند و دیدار مقامات هندی و روسی در دهلی نو ترغیب و به نوعی تلاش مهم برای شکل‌دهی به یک دیپلماسی چندجانبه خنثی‌ساز این معضل واداشت.

اما نکته دیگر اینکه این سفر در بنبوه بحران هرمز و غرب آسیا می‌تواند به عنوان اقدامی از سوی پکن



تصریح کرد ناامنی‌های ناشی از تجاوزات آمریکا شرایط را تغییر داده، اما در صورت توقف این اقدامات، وضعیت به حالت عادی بازمی‌گردد و ایران همراه با عمان برای تضمین عبور امن در تنگه هرمز همکاری خواهد کرد. او با اشاره به موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز گفت این گذرگاه میان ایران و عمان قرار دارد و مدیریت آن باید به صورت مشترک انجام شود و دو کشور در حال رایزنی برای ایجاد سازوکار مناسب هستند.

چهار نماد همکاری ایران و هند

وزیر خارجه در ادامه به روابط ایران و هند اشاره کرد و گفت دو کشور ظرفیت‌های اقتصادی گسترده‌ای دارند. او افزود صادرات نفت ایران به هند در گذشته فعال بود اما به دلیل تحریم‌های آمریکا متوقف شد. ایران همچنان آماده همکاری نفتی است اما تصمیم نهایی با هند خواهد بود. او همچنین بندر چابهار را نماد همکاری دو کشور دانست و گفت: «این بندر می‌تواند به مسیر مهم ترانزیتی برای اتصال هند به آسیای مرکزی و اروپا تبدیل شود، هرچند تحریم‌ها روند توسعه آن را کند کرده‌اند.»

بریکس و بیانیه پایانی

وزیر خارجه در پایان با اشاره به نشست بریکس گفت: «به دلیل اختلاف نظر میان اعضا، از جمله نقش یک کشور عضو در جلوگیری از اجماع، بیانیه پایانی صادر نشد.» او افزود این کشور به دلیل روابط ویژه با اسرائیل، مانع صدور بیانیه مشترک شد که به گفته وی اقدامی نامیدکننده بوده است.

کرد. وزیر خارجه ایران در این دیدار با اشاره به اهمیت مناسبات راهبردی تهران و مسکو، آخرین تحولات پس از آتش‌بس در جنگ اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را تشریح کرد و بر توسعه همکاری‌های دو کشور در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله بریکس تأکید شد. وزیر امور خارجه ایران همچنین با دیگر مقاماتی چون «مانوئل وینسرا»، وزیر خارجه برزیل، «محمد حسن» وزیر خارجه مالزی، «میاساک پوانکتاناکو» وزیر خارجه تایلند، «بدر عبدالعاطی» وزیر خارجه مصر «فؤاد حسین»، وزیر خارجه عراق دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدارها نیز تحولات منطقه‌ای، وضعیت امنیتی خلیج فارس و راه‌های تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه مورد بررسی قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران به برخی مواضع مطرح‌شده در حاشیه بریکس نیز بر مبنای منطق روشن استوار بود؛ امنیت منطقه مفقومی وارداتی نیست و اتکا به مداخلات بیرونی نه تنها ثبات نمی‌آفریند، بلکه خود به یکی از سرچشمه‌های اصلی بی‌ثباتی بدل می‌شود. تأکید بر اینکه آینده امنیت منطقه باید بر مبنای همکاری میان کشورهای منطقه شکل گیرد، یکی از مهم‌ترین پیام‌های راهبردی دهلی‌نوبود. در این میان، گفت‌وگوهای انجام‌شده با مقام‌های هندی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. تأکید متقابل تهران و دهلی‌نو بر توسعه همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، ترانزیتی و انرژی، نشان داد که دو کشور درکی مشترک از پیوند وثیق امنیت و توسعه دارند. این هم‌پوشانی، ریشه در نوعی عقلانیت راهبردی مشترک دارد که بر استقلال تصمیم‌گیری، پرهیز از وابستگی و ترجیح تعامل بر تقابل استوار است.

چندقطبی» است که در عین فرصت‌هایی که برای بازی هوشمندانه احتمالی تهران فراهم می‌آورد، حای هشدارهایی هم هست.

در این میان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید با حفظ اصول دفاعی و حقوقی خود در برابر متجاوزان، با بهره‌گیری از ظرفیت بی‌بدلی که دلاورمردی سربازان میهن و میدان و همچنین پایداری و وفاداری مردمان مظلوم و قدرتمند این سرزمین در اختیارش گذارده، با قرار دادن بسته‌ای جامع، راهبردی و چندجانبه روی میز، با تضمین تعاملات آتی انرژی خود با قدرت‌هایی چون چین و تحقق مشارکت عمیق‌تر در ابتکارات جهانی این کشور با مذاکرات هدفمند، دقیق و راهبردی، از بنبوه فرصت طلایی ایجاد شده بهره‌جسته و تعاملی عزتمندانه و حساب‌شده با چین را در دستور کار خویش قرار دهد.

ناامنی‌های ریشه‌دار است، اما در ژئوپلیتیک امروز نظام بین‌الملل، منافع پایدار در سایه زنجیره‌های تولید و ارزش حکمفرماست. تهران، امروز می‌تواند در درک دقیق از تحولات جاری در مناسبات پکن-واشنگتن که رگه‌هایی از آن در فضای بین خطوط مذاکرات شکی و ترامپ قابل رصد است، جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای و نه مهره‌ای در معادلات قدرت‌های بزرگ تثبیت کند. سفر ترامپ به پکن و دیدارها با شکی چین پینگ به ناظران تحولات جاری یادآوری می‌کند که دیپلماسی هوشمندانه، هدفمند و بلندمدت در صورت همراهی با اهرم‌های واقعی همچون تنگه هرمز می‌تواند به مثابه کلید بقا در قرن آسیایی عمل کند.



واشنگتن برای ایجاد تعادل قدرت در خلیج فارس به نفع صادرکنندگان انرژی در این حوزه نیز تعبیر شود و البته با فراهم کردن فرصت کشورهای منطقه جهت کسب امتیاز از رقابت آمریکا و چین فضایی را که رگه‌هایی از آن در فضای بین خطوط مذاکرات شکی و ترامپ قابل رصد است، جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای و نه مهره‌ای در معادلات قدرت‌های بزرگ تثبیت کند. سفر ترامپ به پکن و دیدارها با شکی چین پینگ به ناظران تحولات جاری یادآوری می‌کند که دیپلماسی هوشمندانه، هدفمند و بلندمدت در صورت همراهی با اهرم‌های واقعی همچون تنگه هرمز می‌تواند به مثابه کلید بقا در قرن آسیایی عمل کند.

یادداشت



حامد وفايي
استاد مطالعات
چین دانشگاه
تهران

سفر رسمی دونالد ترامپ به پکن در روزهای ۱۳ تا ۱۵ مه ۲۰۲۶ (۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۵)، اولین بازدید یک رئیس‌جمهوری آمریکا یکی از چین پس از سال ۲۰۱۷ بود. این سفر در بستری از تنش‌های جهانی، بویژه جنگ و تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران در فوریه ۲۰۲۶، اختلال شدید در ناوبری تنگه هرمز و بحران انرژی جهانی انجام شد و از این جهت توجهات جهانی را به خود جلب کرد. از منظر ژئوپلیتیک، این سفر را باید تلاش دو قدرت مهم جهانی برای مدیریت رقابت استراتژیک خود در شرایطی دانست که حداقل به باور پکن «تله نوسیدید» همچنان تهدیدکننده مناسبات آنهاست، اما آنگونه که از شواهد برمی‌آید ضرورت‌های اقتصادی و امنیتی، دوطرفه را به سمت تعریف فضایی از «ثبات در رقابت سازنده» سوق داده است.

پارادایم شیفتی تعیین‌کننده برای ایران

نخستین نکته این سفر به تعویق آن به دلیل تجاوز مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران و پاسخ‌های تلافی‌جویانه تهران و مسدودسازی عملی تنگه هرمز مربوط است که نشان‌دهنده افزایش وزن منطقه غرب آسیا در محاسبات واشنگتن-پکن است. در اینجا پارادایم شیفت مهمی رخ داده که مستقیماً

A History of the Modern Middle East



تاریخ خاورمیانه مدرن (۶۵)

ولیم کلوند
ترجمه: عسکر قهرمانپور

رسانس «النهضة»

به اعتقاد کواکبی، احیای اسلام با تأسیس خلافتی عربی در مکه آغاز می‌شود که وظایف آن محدود به امور دینی باشد. اگرچه او ملی‌گرای عرب نبود، اما با تأکید بر اینکه نسخه عربی اسلام تنها نسخه خالص آن است، زمینه‌ای ایدئولوژیک فراهم آورد که عرب‌ها به‌عنوان مسلمانان، امکان مقاومت علیه سلطنت عثمانی را می‌یافتند.

مسلمانان، البته، تنها جمعیت عرب در دل امپراطوری عثمانی نبودند. در سوریه و کوهستان لبنان، جوامع مسیحی بزرگ و پرنفوذی حضور داشتند.

این گروه‌ها چگونه به جریان‌های نوین اصلاحات اسلامی واکنش نشان دادند و خود را در دولتی که روزبه‌روز بر میراث اسلامی خود تأکید می‌کرد، چه جایگاهی می‌دیدند؟ در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسیحیان عرب سوریه و لبنان شاهد یک رسانس فرهنگی و اقتصادی بودند که به نام «النهضة» یا «بیداری» شناخته می‌شود.

این حرکت احیاگرانه، بر مسلمانان عرب نیز تأثیر گذاشت، اما بیشترین بهره را اعضای جوامع مسیحی بردند. از عوامل اصلی این بیداری می‌توان به فعالیت‌های بشردوستانه مسیحیان خارجی و توسعه چاپ و نشر اشاره کرد.

از زمان اشغال سوریه توسط مصر (۱۸۳۱-۱۸۴۰)، فعالیت‌های مبلغان پروتستان آمریکایی، کاتولیک‌های فرانسوی و ارتدوکس‌های روسی به‌طور چشمگیری افزایش یافت. انگیزه اولیه مبلغان، تبدیل مسیحیان محلی به نسخه‌ای «اصیل‌تر» و غربی‌تر از ایمان بود، اما این هدف به سرعت به زمینه‌ای برای آموزش عمومی و رقابتی داغ میان پروتستان‌ها و ژوزیت‌ها تبدیل شد؛ رقابتی برای جذب اعضای جوامع مسیحی به مدارس خود.

این رقابت، اثرات جانبی خوشایندی به همراه داشت: تا سال ۱۸۶۰، پروتستان‌ها ۳۲ مدرسه در بیروت، قدس و روستاهای لبنان تأسیس کرده بودند. این موفقیت در سال ۱۸۶۶ با افتتاح کالج پروتستان سوری آمریکایی بیروت بدل گردید و قرار بود نسلی درخشان از فارغ‌التحصیلان در حوزه‌های سیاست، پزشکی و ادبیات پرورش دهد.

ژوزیت‌ها نیز در همین مسیر گام برداشتند و مدارس خود را در بیروت، دمشق، حلب و روستاهای پیرامون بنیان نهادند. کشیش دانیل بلیس، مؤسس کالج پروتستان سوری، از رقابت میان مبلغان پروتستان و کاتولیک آگاه بود و گفته می‌شود در مراسم افتتاح کالج اظهار کرد که در واقع دو دانشگاه تأسیس می‌کند. پیش‌بینی او نه سال بعد تحقق یافت، زمانی که ژوزیت‌ها دانشگاه «سنت جوزف» را در بیروت برپا کردند. علاوه بر تأسیس مدارس، مبلغان آمریکایی و ژوزیت‌ها ماشین‌های چاپ عربی وارد کردند تا کتاب‌های درسی و متون مذهبی تولید کنند.

این چاپخانه‌ها به مرور زمان نسخه‌های تازه‌ای از متون کلاسیک عربی منتشر نمودند و الهام‌بخش شکوفایی سنت روزنامه‌نگاری زنده در منطقه شدند.

خبر

سالیوان: آمریکا در رویارویی با

ایران در بن بست راهبردی قرار دارد



مشاور امنیت ملی سابق آمریکا با تأکید بر اینکه رویارویی با ایران امروز در بن بست راهبردی قرار دارد هشدار داد که رفتار رئیس‌جمهوری کشورش ممکن است به عملیات‌های نظامی بیشتری در ایران منجر شود.

«جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی سابق آمریکا درباره رویارویی با ایران گفت آمریکا امروز در بن بست استراتژی قرار دارد.

وی هشدار داد که مسیر توافق مملو از فرساز و تشبیهایی است که ممکن است به اقدامات نظامی بیشتری از سوی آمریکا بینجامد.

سالیوان گفت افکار عمومی آمریکا وجود شکاف پرسش‌ناهنایی را درباره سیاست کمک‌های امنیتی برمی‌انگیزد.

وی اظهار کرد: «به رغم حمله به نیروی دریایی ایران، این کشور توانسته است که موقعیت خود را تقویت کند. آنها توانایی تئوریک در برابر تهدید تنگه هرمز را به توانایی واقعی در میدان تبدیل کردند. این تهدید به افزایش قیمت سوخت و کالا می‌انجامد و مستقیماً بر مصرف‌کننده آمریکایی تأثیرگذار است و انتظار می‌رود که بر سیاست داخلی آمریکا نیز تأثیر بگذارد.»

مشاور امنیت داخلی پیشین آمریکا در توضیحی درباره آینده منطقه نسبت به توافق‌های ابراهیم و چشم‌اندازهای گسترش آن هشدار داد و گفت عربستان معتقد است که عادی‌سازی روابط باید با مسیر مورد اعتمادی به سمت تشکیل کشور فلسطین مرتبط باشد و رهبری سیاسی اسرائیل بی‌توجهی خود به این هدف را نشان داده و این مانع اساسی در این مسیر است.

وی تأکید کرد که جنگ به بهبود امنیت منطقه منجر نشد، بلکه به تشدید تنش‌های موجود میان عربستان و امارات انجامید که در حال حاضر درباره برخی مسائل اقتصادی، فنی و ژئوپلیتیک اختلاف نظر دارند.

سفر دو روزه رئیس‌جمهوری آمریکا به چین احتمالاً بدون دستاورد خاصی برای کاخ سفید به پایان رسید

ترامپ مقهور قدرت‌نمایی شی

گزارش

و بلافاصله پس از مراسم استقبال رسمی وارد فاز تعیین خطوط قرمز روابط شد. او با لحنی حساب‌شده تأکید کرد که مسأله تایوان «خط قرمز غیرقابل عبور» است و هشدار داد هرگونه دخالت آمریکا در این موضوع می‌تواند مسیر بهبود روابط را از اساس مختل کند. به گزارش شینهوا، او تصریح کرد که ایالات متحده باید مسأله تایوان را با «نهایت احتیاط» مدیریت کند. در ادامه سفر، ترامپ تلاش کرد روایت متفاوتی از جایگاه آمریکا ارائه دهد و ایده «افول قدرت آمریکا» را به‌سخره گرفت؛ موضعی که به‌نظر می‌رسید در واکنش به سخنان شی درباره رقابت قدرت‌های بزرگ و مفهوم «تله توسیدید» (اصطلاحی که گراهام الیسون، تاریخ‌دان دانشگاه هاروارد، برای توصیف وضعیت به کار برده که در آن یک قدرت نوظهور، قدرت مسلط را به چالش می‌کشد) بیان شده باشد. او در شبکه‌های اجتماعی نوشت که اگرچه دو سال پیش آمریکا را

در مسیر افول می‌دانسته، اما اکنون این کشور را «موفق‌ترین و داغ‌ترین اقتصاد جهان» توصیف می‌کند و ابراز امیدواری کرد روابط واشنگتن و پکن در آینده تقویت شود. ترامپ همچنین در گفت‌وگو با فاکس نیوز مدعی شد که شی جین‌پینگ از ایده توافق میان ایران و آمریکا حمایت کرده و خواهان تداوم خرید نفت از ایران شد؛ ادعایی که به گفته او مستقیماً از گفت‌وگو با رهبر چین نقل شده است. در مجموع، ترامپ در این سفر دو روزه لحنی آشکارا آشتی‌جویانه داشت؛ لحنی که با مواضع تند او علیه چین در فضای سیاسی داخلی آمریکا در تضاد است. چین در فضای سیاسی داخلی آمریکا در تضاد است. در مقابل، شی جین‌پینگ اگرچه با استقبال رسمی و لبخندهای دیپلماتیک از او پذیرایی کرد، اما در عمل موضعی سخت‌گیرانه‌تر اتخاذ کرد؛ بویژه در موضوع تایوان، که همچنان مهم‌ترین نقطه تنش در روابط دو کشور باقی مانده است.

توازن قدرت میان آمریکا و چین در حال «حرکت به سمت برابری بیشتر» است. در گذشته همیشه به‌نظر می‌رسید ایالات متحده دست بالا را دارد و پیوسته بر چین فشار وارد می‌کند و در موضع تهاجمی است. اما اکنون می‌توان گفت دو کشور به نقطه‌ای از تعادل جدید رسیده‌اند.

موازنه جدید میان پکن - واشنگتن

بلکه بازتاب تغییرات واقعی در ظرفیت‌های اقتصادی، صنعتی و فناورانه دو طرف است؛ جایی که چین در برخی حوزه‌ها از تقلید صرف عبور کرده و به رقابت مستقیم با آمریکا رسیده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری یک رقابت پیچیده‌تر است که هر دو طرف در حال تنظیم رفتار خود بر اساس محاسبه هزینه و ریسک متقابل هستند.



وو شینپو

استاد مطالعات بین‌الملل در دانشگاه فودان و مشاور دولت چین

هشدار توسیدیدی رهبر چین به ترامپ

چه کسی فکری کرد شی جین‌پینگ یک دانش‌آموز تاریخ یونان باستان باشد؟ رئیس‌جمهوری چین در نشست روز پنج‌شنبه با دونالد ترامپ درباره «تله توسیدید» هشدار داد، اما نباید فریب این ارجاع تاریخی را خورد. پیام واقعی او هشدار به آقای ترامپ بود که با دخالت در طرح‌های چین برای بازپس‌گیری تایوان خطر جنگ را افزایش دهد.

توسیدید، تاریخ‌نگار بزرگ یونان باستان در جنگ پلوپونزی بود و استدلال می‌کرد که صعود آتن باعث ترس اسپارتر شد و در نهایت به جنگ انجامید. گراهام الیسون، دانشمند علوم

چابلوسی ترامپ در مقابل قاطعیت شی

اقتداری بود که شی، با وجود چالش‌های اقتصادی داخلی، در سخنرانی‌های عمومی خود پیدا کرده است: آن هم در شرایطی که ایالات متحده را درگیر تنگه هرمز و یک رویارویی دیگر در خاورمیانه می‌بیند؛ بحرانی که خورج آسانی از آن وجود ندارد. این لحن همچنین بازتاب‌دهنده توازن جدید میان این دو رقیب بود. شی کاملاً حساب‌شده و طبق برنامه ظاهر شد و هیچ تردیدی باقی نگذاشت که با وجود تمام مشکلات چین، از کاهش قیمت‌ها و افت جمعیت گرفته تا ترک‌یدن حساب بازار مسکن زمان آن رسیده که چین به‌عنوان یک ابرقدرت هم‌تراز عمل کند.

پرخلاف لحن تندی که دونالد ترامپ در داخل آمریکا درباره چین به کار می‌برد، او در دیدار با شی جین‌پینگ، رهبر چین، با لحنی آشتی‌جویانه صحبت کرد. ترامپ خطاب به شی گفت: «شما رهبر بزرگی هستید؛ اما منی ابتدا وارد بحث تعیین حدود و خطوط روابط دو کشور شد. او گفت خط قرمز، تایوان است و کاملاً روشن کرد که تلاش ترامپ برای نزدیک شدن به چین ممکن است از همان ابتدا شکست بخورد. اگر در تلاش بلندمدت چین برای به‌دست گرفتن کنترل این جزیره خودگردان دخالت کند. این تفاوت لحن، مستقیماً نشان‌دهنده سطح تازه‌ای از اعتماد به نفس و



دیوید سنکر

ستون‌نویس ارشد نیویورک تایمز

صراحت بی سابقه چینی‌ها برای تایوان

در حالی که دونالد ترامپ خواسته‌های گسترده‌ای برای افزایش هزینه‌های دفاعی مطرح کرده و هم‌زمان رویکردی غیرقابل‌پیش‌بینی در قبال چین در پیش گرفته است، روابط واشنگتن با تایوان با فشار و فرسایش روبه‌رو شده است. در همین چهارچوب، هشدار صریح شی جین‌پینگ به ترامپ در جریان نشست اخیر آمریکا-چین، بر حساسیت این لحظه تأکید دارد؛ جایی که او تصریح کرد: «مسأله تایوان مهم‌ترین موضوع در روابط آمریکا و چین است» و هشدار داد که در صورت مدیریت نادرست، دو کشور می‌توانند به «رگرسی را حتی جنگ» کشیده شوند. این اظهارات، بازتاب‌دهنده فضای بی‌اعتمادی و فزاینده‌ای است که هم‌زمان روابط آمریکا و تایوان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

اگرچه در ظاهر منافع اقتصادی، امنیتی و فناورانه آمریکا و تایوان بویژه در حوزه زنجیره تأمین ترشاه‌های پیشرفته و هوش مصنوعی به هم گره خورده‌اند، اما رویکرد معامله‌محور دولت ترامپ این پیوند را دچار تنش کرده است. این در حالی است که سیاست سنتی آمریکا در قبال



پاملا کندی

معاون مدیر برنامه چین در مرکز استیمسون



شی برای این لحظه آماده شده بود

فرمول‌بندی جدید چین درباره روابط با آمریکا در واقع با هدف «فعل کردن این مرحله از بن‌بست راهبردی برای باقی‌مانده دوره ترامپ و در حالت ایده‌آل فراتر از آن» است. شی جین‌پینگ سال‌ها تلاش کرده تا برای این لحظه آماده شود؛ لحظه‌ای که یک رئیس‌جمهوری آمریکا را به‌عنوان هم‌تراز به یکن‌پایورد، به‌گونه‌ای که در سراسر جهان نیز چنین درکی از او وجود داشته باشد؛ و اکنون این اتفاق در



جولیان کورنش

مدیر امور چین در شورای امنیت ملی در دولت بایدن

تنگه هرمز فشار معکوس چین به آمریکا

درست پیش از دیدار ترامپ با شی جین‌پینگ، خبرگزاری‌های ایرانی گزارش دادند که کشتی‌های چینی عبور از تنگه هرمز را تحت مکانیزم تعیین‌شده توسط ایران آغاز کرده‌اند. در حالی که پکن پرداخت «عوارض» را رد می‌کند، اما برای پرداخت «هزینه اداری جهت نگهداری زیست‌محیطی» تنگه اعلام آمادگی کرده است. (که در واقع صرفاً روش دیگری برای نامگذاری همان عوارض است) این توافق، فشار آمریکا بر چین برای همراهی با ایالات متحده جهت «باز کردن» تنگه را خنثی می‌کند؛ چراکه این آبراه اکنون به روی چین باز است. در واقع، این اتفاق فشار را معکوس



ترینا پارسی

نایب رئیس اجرایی مؤسسه کوئینسی

دست بالای چین در تشدید تنش اقتصادی

به‌نظر می‌رسد ایالات متحده در مذاکرات تجاری با چین در وضعیت دشواری قرار گرفته است. پیش از سفر ترامپ به چین، واشنگتن در ۱۴ می وارد مذاکرات تجاری با پکن شد و به دنبال تمدید مهلت محدودیت‌های صادرات عناصر خاکی کمیاب چین و همچنین وعده‌های کلی برای خرید بیشتر محصولات کشاورزی و انرژی آمریکا بود.

دولت آمریکا ممکن است مجبور شود در زمینه لغو برخی کنترل‌های صادراتی بر فناوری‌های پیشرفته یا حتی کاهش حمایت آمریکا از تایوان امتیازاتی بدهد. به‌طور غیررسمی، برخی اعضای



تئودور بازل

مدیرعامل و رئیس بخش مشاوره ژئوپلیتیک شرکت لژارد

نمایش ژئوپلیتیک در پکن

دونالد ترامپ برای نشست این هفته با همتای چینی‌اش، شی جین‌پینگ، نامی را پذیرفت و با اشاره‌ای طنزآمیز به نشست «گروه هفت» (G۷) متشکل از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان گفت: «این دو کشور بزرگ هستند. من اسمش را G۲ می‌گذارم. این همان G۲ است.» او این سخنان را در مصاحبه‌ای با شان هنتی از شبکه فاکس نیوز بیان کرد؛ مصاحبه‌ای که جمعه پخش شد و پس از دیدار دوجانبه روز پنجشنبه با شی ضبط شده بود. ترامپ افزود: «فکری نمی‌کنم این اتفاق به‌عنوان لحظه‌ای



آریاک آزمدورف

نویسنده ارشد واشنگتن پست

تنهایی واشنگتن در بن بست جنگ با ایران

دونالد ترامپ ادعا کرده است که ایالات متحده و چین درباره پایان جنگ در ایران «احساس بسیار مشابهی» دارند، اما هیچ جزئیاتی درباره یک پیشرفت احتمالی ارائه نکرده است. با اینکه حدود نیمی از نفت خام چین از تنگه هرمز عبور می‌کند و حتی اگر درگیری در خاورمیانه ادامه پیدا کند ممکن است باعث رکود جهانی شود و تقاضا برای صادرات این کشور را کاهش دهد. با این حال، بسیاری در پکن



یو چن لی

ستون‌نویس روزنامه گاردین





انجمن بلاکچین در گزارشی از تاب آوری کسب و کارهای داخلی عنوان کرد

خسارت ۷۰۰ همتی به اقتصاد دیجیتال

گزارش

در این گزارش نشان می‌دهد خسارت مستقیم و غیرمستقیم روزانه به اقتصاد دیجیتال بین ۳ تا ۸ هزار میلیارد تومان بوده و مجموع خسارت طی حدود ۶۰ روز در بازه‌های بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده شده است؛ هرچند این رقم، برآوردهای صنفی و رسانه‌ای است و برای تبدیل شدن به مرجع قطعی، نیازمند جمع‌بندی رسمی و جامع‌تر خواهد بود.

سه مرحله یک فشار انباشته

یکی از نکات مهم گزارش، تقسیم‌بندی بحران به سه مرحله است. مرحله اول، «فرسایش مزمن» پیش از جنگ ۱۲ روزه است؛ دوره‌ای که با کندی، فیلترینگ، اختلال‌های مقطعی و افزایش هزینه‌های عملیاتی همراه بود. مرحله دوم، «شوگ جنگ ۱۲ روزه» است که در آن بسیاری از کانال‌های فروش، پشتیبانی و ارتباط با مشتری دچار اختلال شدند. مرحله سوم نیز، دوره پساجحان از اسفند ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ است که در آن، به روایت گزارش، بخشی از کسب‌وکارها با بحران بقا روبرو شدند. اهمیت این تقسیم‌بندی در آن است که نشان می‌دهد مسأله امروز، نتیجه یک رخداد مقطعی نیست، بلکه حاصل انباشت محدودیت‌ها و بی‌ثباتی‌های چندلایه است. در چنین شرایطی، بسیاری از بنگاه‌ها دیگر درباره توسعه بازار یا رشد



گزارش انجمن بلاکچین ناگید می‌کند که یکی از فوری‌ترین آثار اختلال

کاهش درآمد و افت فروش کسب‌وکارهای وابسته به

بسترهای دیجیتال بوده است

و براساس روایت‌های صنفی مورد

استناد، افت فروش برخی کسب‌وکارهای

دیجیتال به بیش از ۷۰ درصد رسیده است

بنگاه‌هاست. کسب‌وکارهای کوچک و نوپا به دلیل سرمایه در گردش محدود، وابستگی بیشتر به فروش روزانه و نداشتن مسیرهای جایگزین، بیش از دیگران آسیب دیده‌اند. گزارش در بخش اثر بر مردم و مشاغل خرد تصریح می‌کند که فروش مشاغل خانگی کاهش شدید داشته، فعالیت فریلنسرها مختل شده، فعالیت کسب‌وکارهای اینستاگرامی افت کرده و دسترسی به مشتری ناپایدار شده است. این بخش از گزارش، اقتصاد دیجیتال را نه صرفاً حوزه‌ای فناورانه، بلکه بخشی از معیشت روزمره مردم معرفی می‌کند.

اشتغال، سرمایه‌گذاری و اعتماد

اقتصاد دیجیتال در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اشتغال برای نیروهای جوان، متخصص و تحصیل‌کرده بوده است. گزارش انجمن بلاکچین تصریح می‌کند که بخشی از شرکت‌ها بویژه در ماه‌های اخیر، جذب نیرو را متوقف کرده‌اند و بخشی نیز به تعدیل یا کاهش همکاری‌های پروژه‌ای روی آورده‌اند. این روند، علاوه بر اثر مستقیم بر بازار کار، می‌تواند فرسودگی روانی و کاهش انگیزه حرفه‌ای را نیز در میان نیروی انسانی تشدید کند.

در کنار اشتغال، فضای سرمایه‌گذاری نیز از این وضعیت بی‌تأثیر نمانده است. گزارش می‌گوید در ماه‌های اخیر، بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای متوقف شده‌اند، سرمایه‌گذاران محتاط‌تر شده‌اند و برخی شرکت‌ها به جای توسعه، ناچار شده‌اند تنها بر بقا تمرکز کنند. در چنین فضای، قابلیت پیش‌بینی کاهش می‌یابد و این موضوع مستقیماً بر تصمیم برای سرمایه‌گذاری، توسعه محصول و افزایش مقیاس اثر می‌گذارد. یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های گزارش، موضوع «فرسایش اعتماد» است. در اینجا بحث فقط اعتماد کاربران نیست، بلکه اعتماد سرمایه‌گذار به آینده بازار و اعتماد نیروی انسانی به امکان ساخت آینده حرفه‌ای در کشور نیز مطرح است. گزارش

تأکید می‌کند که این نوع خسارت، برخلاف افت فروش روزانه، به‌سادگی قابل‌سنجش نیست، اما در بلندمدت اثر عمیق‌تر بر جای می‌گذارد.

اینترنت محدود، راه‌حل کامل نیست

در بخش دیگری از این گزارش، تجربه «اینترنت محدود» یا «اینترنت پروه» با دسترسی‌های تفکیک‌شده بررسی شده است. جمع‌بندی گزارش این است که این مدل‌ها در عمل نتوانسته‌اند نیاز واقعی اکوسیستم را برآورده کنند. استدلال اصلی نیز این است که اقتصاد دیجیتال زمانی به‌صورت عادی کار می‌کند که هم کسب‌وکار، هم کاربر و هم زنجیره خدمات و زیرساخت، به دسترسی پایدار و عمومی متصل باشند. اگر بخشی از این زنجیره دسترسی داشته باشد و بخش دیگر نه، بازار به شرایط پایدار بازمی‌گردد. البته در نگاه سیاستی می‌توان این نکته را هم افزود که در شرایط خاص، راه‌حل‌های موقت برای حفظ حداقل فعالیت برخی بخش‌ها قابل فهم است؛ اما در افق بلندمدت، آنچه به ثبات بازار کمک می‌کند، تقویت زیرساخت عمومی و کاهش نااطمینانی است.

فشار مضاعف بر حوزه رمزارزها

از آنجا که این گزارش از سوی انجمن بلاکچین تهیه شده، بخشی از آن به اثر اختلال اینترنت بر این اکوسیستم اختصاص یافته است. در این بخش آمده که کاهش حجم معاملات محسوس بوده، اختلال در دسترسی کاربران گسترده گزارش شده، اختلال در احراز هویت رخ داده و فشار بر تیم‌های فنی شدید بوده است. همچنین وابستگی کاربران به ابزارهای نامن افزایش یافته و ریسک سوءاستفاده و فیشینگ نیز بالا رفته است. در این حوزه، اینترنت صرفاً ابزار ارتباطی نیست؛ بلکه بستر مستقیم دسترسی به حساب، انجام معامله، احراز هویت، برداشت و واریز و مدیریت کیف پول است. به همین دلیل راه‌حلال‌های مبتنی بر عملیاتی و امنیتی همزمان داشته باشد.

حفظ اقتصاد دیجیتال به نفع اقتصاد ملی است



بشر

جمع‌بندی گزارش انجمن بلاکچین این است که اقتصاد دیجیتال امروز به زیرساختی پایدار، قابل‌انگاز و قابل‌پیش‌بینی نیاز دارد. تجربه ماه‌های اخیر نشان داده که اینترنت محدود و تفکیک‌شده نمی‌تواند جایگزین اینترنت عمومی و پایدار شود، زیرا فعالیت اقتصادی در این بخش به دسترسی هم‌زمان کسب‌وکار، کاربر و سرویس‌های زیرساختی وابسته است. در عین حال، پیام اصلی این گزارش صرفاً بیان خسارت نیست. تأکید آن بر این است که با تقویت پایداری اینترنت، شفاف‌سازی در دسترسی‌ها، ایجاد مسیر روشن برای ابزارهای عملیاتی کسب‌وکارها و گفت‌وگوی بیشتر با بخش خصوصی می‌توان از عمیق‌تر شدن فشارها جلوگیری کرد. اقتصاد دیجیتال اکنون بخشی از اشتغال، خدمات و معیشت کشور است و حفظ تاب‌آوری آن، نه فقط به نفع فعالان این حوزه، بلکه به نفع کل اقتصاد ملی خواهد بود.

دعوت به شرکت در مناقصه
اخذ پیمانکار عمومی جهت انجام خدمات
نقبت‌یارس
مرتب با محصول پار افین (نوبت اول)

شرکت نفت پارس در نظر دارد اخذ پیمانکار جهت انجام خدمات رنگبری فیلتراسیون، پرکنی و قالب‌گیری، تخلیه و بسته‌بندی پارافین به صورت اسلب (تالیون، کارتن و پالت) پالایشگاه خود را مطابق اسناد پیوست از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق وبگاه شرکت نفت پارس به آدرس:

مهلت ارسال پاکت پیشنهادهای مربوطه تا تاریخ <http://www.parsolico/fa/tender.html> مراجعه فرمایند.
• واگذاری مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.
• به پیشنهادهای فاقد امضاء، مهر، مشروط، مهیم، فاقد تضمین اسپرده شرکت در مناقصه و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
• این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

آگهی مجدد مناقصه
شماره ۴۱۰۴۱۹
نوبت دوم

شرکت سیمان ایران
مناقصه‌گزار در نظر دارد پروژه «ارائه خدمات طراحی، مهندسی و آموزش، خرید، نصب و راه‌اندازی سخت افزار و نرم‌افزارهای مورد نیاز جهت ارتقا، بهینه‌سازی، امن‌سازی و مقاوم‌سازی سیستم اتوماسیون صنعتی و کنترل و مانیتورینگ امور تغلیظ مجتمع مس شهرباک به‌صورت EPC»، را به شرکت‌ها یا مؤسسات واجد صلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت رسمی این شرکت به شرح ذیل مراجعه نمایید.

www.nicico.com
www.sarcheshmeh.nicico.com
www.dargah.nicico.com
www.shahrbabak.nicico.com

آگهی مناقصه
شماره ۴۱۰۵۱۰
نوبت دوم

شرکت سیمان ایران
عنوان مناقصه‌گزار در نظر دارد پروژه «احداث دیوار پیش‌ساخته بتنی پیرامون کارخانه لیچینگ دو مجتمع مس شهرباک» را به شرکت‌ها یا مؤسسات واجد صلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت‌های رسمی این شرکت به شرح ذیل مراجعه نمایید.

www.nicico.com
www.sarcheshmeh.nicico.com
www.dargah.nicico.com
www.shahrbabak.nicico.com

Second Announcement
National Iranian Copper Industries Company (NICICO) Tender
Announcement:
"Copper Wire Rod Tender
1405#4-12000MT-FOB BandarAbbas"
National Iranian Copper Industries Company intends to export:
Commodity: Copper Wire Rod produced in Sarcheshmeh Copper Complex, Kerman Province in I.R.IRAN
Legal foreign companies are invited to visit the Tender section on our official website at www.nicico.com (tender section) to review the tender terms and conditions available up to Saturday 23rd May 2026 11:00 local time (GMT +03:30).
• All offers must be submitted exclusively via email to the NICICO Marketing & Sales Dept. at: sales-tender3@nicico.com no later than 11:00 AM (Iran local time) on **Saturday 23rd May 2026**.
• For any questions or further information, please reach out to NICICO's Marketing & Sales department using the contact details below:
Tel: +98 21 82138139/ +98 21 82138135/+98 21 88101497

خلاصه تصمیمات مجمع صندوق
سرمایه‌گذاری توسعه تعاون صبا
به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۳۶۶۱۲۹
مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۳ ساعت ۱۴:۰۰

کلیه دارندگان واحدهای ممتاز پس از بحث و تبادل نظر به اتفاق آرا با تغییر بند ۱۰-۳۰ امیدنامه (هزینه کارمزد متولی صندوق) به شرح صورتجلسه صندوق (قابل دستیابی در تارنمای صندوق به آدرس <https://stts.sabaamc.ir> و سامانه کدال به نشانی <http://www.codal.ir>) موافقت نمودند.

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ افس ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴، ۵ ورقی/ برش و تاکنی روزنامه
۰۵-۸۴۷۱۱۵۰۵
آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهار دانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

آگهی مزایده عمومی
سایا پدک
سایا پدک پارس فروش‌سایا

سبد	شرح کالا	مبلغ سبزه (ریال)	قیمت پایه (ریال)
۱	۲۰۶ ردیف انواع قطعات خودرویی (شرکت سایاپدک)	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی یا	فاقد قیمت پایه
۲	۴۹۸ ردیف انواع قطعات خودرویی (شرکت سایاپدک)	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی یا	فاقد قیمت پایه
۳	۵۲۰ ردیف انواع قطعات خودرویی (شرکت سایاپدک)	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی یا	فاقد قیمت پایه
۴	۱۴۴ ردیف انواع قطعات خودرویی (شرکت سایاپدک)	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ چک صیادی	فاقد قیمت پایه
۵	۳۱۶ ردیف انواع قطعات خودرویی (شرکت سایاپدک)	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی یا	فاقد قیمت پایه
۶	۱۸۰ دستگاه گیربکس اورهال شده (شرکت زامیاد)	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی یا	فاقد قیمت پایه

نماینده: شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۲۸۴۹۹۳

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
مرحله اول: فراخوان عمومی جهت شناسایی پیمانکار توأم با ارزیابی فنی
شرکت تولیدات پتروشیمی قاندهسیر (سهامی عام)
شرکت تولیدات پتروشیمی قاندهسیر با توجه به شناسایی پیمانکاران دارای حسن شهرت، واجد شرایط و توانمند جهت انجام پروژه "تأمین و اجرای عملیات دیوارکشی ضلع شرقی مجتمع پتروشیمی قاندهسیر با قطعات و دیوار پیش‌ساخته بتنی" از طریق ارزیابی فنی متقاضیان و متعاقب آن تهیه لیست کوتاه مناقصه‌گران واجد صلاحیت جهت حضور در مرحله دوم مناقصه فوق اقدام نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد مربوطه، به نشانی اینترنتی www.gbpc.net مراجعه نمایند.

• مهلت زمانی جهت بازدید از محل اجرای پروژه: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ تا پایان روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ می‌باشد.
• مهلت زمانی جهت ارائه پیشنهاد فنی، پاکت ب: از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ تا پایان روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ می‌باشد.
• آدرس جهت تحویل پیشنهاد فنی، پاکت ب: دفتر مرکزی: تهران، خیابان ستول، کوچه ۱۲ متری دوم، پلاک ۱، کدپستی ۱۹۵۸۷۳۷۶۵ شماره تلفن تماس واحد فنی جهت کسب اطلاعات بیشتر ۰۲۱-۵۷۳۸۲۳۶۲ داخلی ۰۳۱-۵۷۳۸۲۳۶۲ داخلی ۱۱۸ و شماره تلفن تماس واحد بازرگانی جهت کسب اطلاعات بیشتر ۱۱۸ الی ۰۳۱-۸۸۸۸۰۲۱۰ داخلی ۲۰۲ شرکت تولیدات پتروشیمی قاندهسیر (سهامی عام)

آگهی مزایده عمومی
شرکت صنایع معادن و عمران رضوی در نظر دارد نسبت به مزایده اقلام کتاف برند کی پلاس ایران (K+) شامل: ۲۶۲۴ مترمربع پتل سیمانی آکوا پلاس، ۱۰۵۴۸ مترمربع پتل گچی FM به ضخامت (۱۲/۵) میلی (متر)، ۳۲۴۰ مترمربع پتل گچی FR به ضخامت (۱۲/۵) میلی (متر)، ۶۰۷۲ متر طول رانر UW100، ۴۶۱ متر طول عایق معدنی ۲ اینچ، موجود در نشانی: قم، بلوار پانزده خرداد، خیابان شهید میمنی، جنب حسینیه شهدا اقدام نماید. لذا از افراد حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد از روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ جهت دریافت اسناد مزایده و در ساعات بین ۱۲-۱۰ به نشانی ذیل مراجعه نمایند و حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ اسناد تکمیل شده مزایده را در پاکت در بسته به نشانی زیر ارسال نمایند.
نشانی: قم، خیابان معلم نبش چهارراه شهدا جنب مدرسه حجتیه، طرح مدرس امام خمینی (ره) کدپستی: ۳۷۱۳۷۱۳۱۱۱ - شماره تماس: ۰۹۱۹۱۵۱۹۳۲۴

گزارش «ایران» از همایش «جنگ و امر ملی» در دانشگاه شهید بهشتی

امر ملی؛ رمز استقامت ایران

جامعه‌شناسی سیاسی

حمیدرضا حبیبی

گروه اندیشه

پژوهشکده لیزر و پلاسما دانشگاه شهید بهشتی که در جنگ رمضان مورد حمله قرار گرفت، میزبان همایش «جنگ و امر ملی» شد تا با حضور اصحاب اندیشه و اساتید دانشگاه، شرایط ایران امروز را به تحلیل بگذارد.

سخنرانان در این هم‌اندیشی از یک‌سو بر چندلایه بودن مفهوم جنگ در جهان امروز تأکید کردند و از سوی دیگر، دانشگاه را در مرکز بازتعریف امر ملی و انسجام اجتماعی نشاندد.

دانشگاه؛ زبان عقلانیت جامعه

وحید شالچی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تصویری چندلایه از وضعیت جامعه ایران پساجنگ ارائه کرد؛ تصویری که در آن، جنگ نه فقط پدیده‌ای نظامی، بلکه شبکه‌ای درهم‌تنیده از فشارهای اقتصادی، رسانه‌ای و شناختی است و دانشگاه در قلب این وضعیت، ناشکی فراتر از آموزش و پژوهش برعهده دارد. او در آغاز سخنان خود با اشاره به وضعیت عمومی جامعه گفت: «جامعه ایران هم‌زمان درگیر رنج، داغ و ایستادگی است» و تأکید کرد که با وجود فشارها، «استوارتر از گذشته ایستاده‌ایم.» او ادامه، دانشگاه را نه صرفاً یک نهاد آموزشی، بلکه بخشی فعال از حیات اجتماعی دانست و تصریح کرد: «جامعه دانشگاهی نیز در این لحظات بحرانی فقط قربانی جنگ نیست، بلکه وجدان بیدار جامعه ایرانی و زبان عقلانیت آن است.» این استاد دانشگاه تصریح کرد جنگی که جامعه ایران با آن مواجه است صرفاً نظامی نیست: «جامعه ایران تنها درگیر جنگ نظامی نیست، بلکه هم‌زمان با جنگ فرهنگی، رسانه‌ای و شناختی نیز مواجه است.» او حتی فراتر رفت و از شکل‌گیری نوعی «جنگ اقتصادی» برنامه‌ریزی شده» سخن گفت که به باور او از سال‌ها پیش علیه زندگی روزمره مردم آغاز شده است. شالچی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ابعاد قدرت‌های درگیر در این منازعه گفت: «آمریکا بالغ بر نیمی از توان اقتصادی جهان را در اختیار دارد و بودجه نظامی آن چندین برابر دیگر کشورهاست، و افزود که در کنار آن، «رژیم صهیونیستی نیز از توان نظامی بالایی برخوردار است» و این مجموعه، جنگی چندوجهی را شکل داده است.

او ادامه، با تمرکز بر جایگاه دانشگاه ایرانی، این نهاد را برخاسته از تاریخ اجتماعی و رنج جمعی کشور دانست و تأکید کرد: «دانشگاه ایرانی، برخلاف برخی الگوهای وارداتی و نمایشی در منطقه، نهادی ریشه‌دار و برخاسته از رنج و مجاهدت استادان و پژوهشگران این سرزمین است.» به گفته او، حتی زیرساخت‌های علمی کشور حاصل «سال‌ها خون‌دل خوردن استادان و محققان است.»

شالچی با اشاره به تجربه تاریخی ایران در مواجهه با بحران‌ها، بر پایداری جامعه تأکید کرد و گفت: «ملت ایران با وجود همه فشارها، رنج‌ها و شهادت کودکان بی‌گناه، همچنان ایستاده و مقاوم‌تر از گذشته شده است.» او این مقاومت را بخشی از سرمایه تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی دانست که توانسته در برابر فشارهای بیرونی تاب‌آوری ایجاد کند. در بخش دیگری از سخنانش، او دانشگاه را نهادی فراتر از مرزهای سیاسی معرفی و تصریح کرد: «دانشگاه نهادی است که همه گروه‌ها، اقوام، طبقات اجتماعی و طیف‌های فکری جامعه ایران در آن حضور دارند.» به گفته او، همین ویژگی، دانشگاه را به آن متوجه همه جامعه است. او با اشاره به هدف‌گیری مراکز علمی در جنگ رمضان گفت: «آنها با حمله به پژوهشکده لیزر، دانشکده مهندسی کامپیوتر شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه صنعتی سهند تبریز و دیگر مراکز علمی، فقط ساختمان‌ها را هدف قرار ندادند، بلکه آینده ایران را نشانه گرفتند؛ چرا که آنها می‌دانستند ایران با تکیه بر علم و دانش است که استوار مانده است.» شالچی همچنین از نقش رسانه‌ها و روایت‌ها در این جنگ سخن گفت و افزود که بخشی از تلاش‌ها برای ایجاد ترقه در جامعه ایران از مسیر «بناگاه‌های تأکید کرد: «موشکی که به خانه‌ای اصابت می‌کند، میان افراد نظامی و غیرنظامی تفاوتی قائل نمی‌شود.» در ادامه، او به نقش اجتماعی دانشگاه در حفظ همبستگی ملی پرداخت و گفت: «یکی از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه، حفاظت از سرمایه اجتماعی است ایران است.» به گفته او، هرگونه «ترقه»، حذف و طرد بخشی از مردم» در نهایت به سود دشمنان کشور تمام می‌شود.

شالچی همچنین بر نقش عاطفی و روانی دانشگاه در شرایط بحران تأکید کرد و افزود: «دانشگاه همچنین می‌تواند سیاست عاطفی جامعه در دوران جنگ را شکل دهد.» او توضیح داد که جامعه در وضعیت جنگی با «استرس، ترس، خشم، نگرانی و سوگ» مواجه است و دانشگاه می‌تواند در ترمیم این زخم‌های اجتماعی نقش ایفا کند. در نهایت، او دانشگاه را هم‌زمان «بناگاه عقلانیت، حافظ انسجام ملی و یازتاب‌دهنده رنج جامعه» دانست؛ نهادی که به تعبیر او، در خط مقدم حفظ پیوندهای اجتماعی در یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخی کشور



میرسپاسی؛ واکنش ایرانیان در داخل و خارج نشان داد که نوعی حس مشترک تعلق و مسئولیت ملی همچنان در جامعه زنده است؛ احساسی که در شرایط بحرانی خود را آشکارتر می‌کند

این استاد علوم اجتماعی معتقد است، جنگ علامه طباطبایی، با ترسیم پیوندی میان انقلاب اسلامی و وضعیت کنونی جهان، ایران را در دو مقطع تاریخی «در مرکز حوادث جهانی» توصیف کرد؛ مقاطعی که به‌ترسم او یکی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و دیگری در شرایط فعلی رقم خورده است. او در این همایش با اشاره به زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی گفت که در دهه‌های میانی قرن بیستم، جهان سوم پس از استقلال از بحران الگوی حکمرانی مواجه شد: «نسل استقلال وعده داده بود که با خروج استعمارگران، کشورها به سرعت به پیشرفت خواهند رسید، اما پس از گذشت یک تا سه دهه، نتیجه مطلوب حاصل نشد.» او افزود این کشورها میان دو الگوی غالب آن زمان، یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم، سمرگردان بودند و نهایت به دنبال «راه سوم» رفتند؛ راهی که نه شرقی بود و نه غربی. به گفته او، در ایران نیز اندیشمندانی چون جلال آل‌احمد در شکل‌گیری این گفتمان نقش داشتند: «روشنگران جهان سوم به دنبال راه سوم رفتند؛ راهی که نه لیبرالیسم سرمایه‌داری باشد و نه سوسیالیسم کمونیستی.»

این استاد علوم سیاسی، با تأکید بر هم‌زمانی انقلاب اسلامی با این نیاز فکری جهانی گفت: «انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه فکری اسلام سیاسی شکل گرفت» و افزود که اگر این انقلاب سوم به دنبال راه سوم رفتند؛ راهی که نه لیبرالیسم سرمایه‌داری باشد و نه سوسیالیسم کمونیستی.»

او در ادامه با اشاره به نقش شخصیت‌هایی چون امام خمینی (ره) و دکتر علی شریعتی، اسلام سیاسی را «مصدق عینی راه سوم» دانست و تصریح کرد: «شعار نه شرقی، نه غربی ناشی نبود؛ این همان مفهومی بود که در ادبیات روشنفکری جهان سوم با عنوان راه سوم مطرح می‌شد.» این استاد دانشگاه همچنین به ساختار نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد اشاره کرد و گفت جهان میان دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود: «جهان از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ تحت نظم دوقطبی اداره می‌شد.» او افزود که در این دوره، رقابت دو بلوک عمدتاً در قالب جنگ‌های نیابتی بروز می‌یافت. خرمشاد در ادامه با اشاره به فرآیندهای انسجام‌بخش شوری و تلاش آمریکا برای شکل‌دهی به نظم تک‌قطبی گفت: «آمریکا خود را پیروز میدان دانست و تلاش کرد جهان تک‌قطبی را شکل دهد.» اما این پروژه با مقاومت قدرت‌های دیگر به نتیجه نرسید. وی وضعیت کنونی جهان را «دوران گذار طولانی‌مدت» توصیف کرد و گفت: «این دوران گذار بیش از ۳۵ سال طول کشیده و همین مسأله جهان را به سمت آشوب سوق داده است.» او در بخش دیگری از سخنانش



جنگ، حس تعلق ملی را تقویت کرد

علی میرسپاسی، استاد جامعه‌شناسی و رئیس مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه نیویورک، در پیام تصویری خود به این همایش، جنگ را نه صرفاً یک رخداد سیاسی و نظامی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و افشاگر توصیف کرد: «رخدادی که به تعبیر او همچون آینه‌ای در برابر جامعه قرار می‌گیرد و لایه‌های کمتر دیده‌شده حیات اجتماعی را آشکار می‌کند. او با تأکید بر تجربه جنگ تحمیلی اخیر، از دو چهره همزمان جامعه ایران سخن گفت: «از یک‌سو همبستگی و وطن‌دوستی ایرانیان و از سوی دیگر زخم‌های اجتماعی.» بهترین توصیف شاید این باشد که جنگ، جامعه را مانند آینه‌ای در برابر ما قرار می‌دهد و بسیاری از جنبه‌های کم‌تر دیده شده جامعه را پیش چشم می‌گذارد و قضاوت‌های ما را شفاف می‌کند. از این رو براین باورم که جنگ، پدیده‌ای افشاگرانه است؛ یعنی ارزش‌ها و زخم‌های پنهان را به سطح جامعه می‌آورد و آشکار می‌کند.»

میرسپاسی در تحلیل خود، این تصور را که جنگ الزماً به معنای یک گسست ساختاری در جامعه است، به چالش کشید. به باور او، واکنش ایرانیان در داخل و خارج از کشور نشان داد که نوعی حس مشترک تعلق و مسئولیت ملی همچنان در جامعه زنده است؛ احساسی که در شرایط بحرانی خود را آشکارتر می‌کند. او تأکید کرد که میلیون‌ها ایرانی در جریان جنگ، فارغ از تفاوت‌های سیاسی و اجتماعی، در دفاع از کشور و مراقبت از یکدیگر نوعی همدلی کم‌سابقه را تجربه کردند: «جنگ، همراهی و همدلی و وطن‌دوستی ایرانیان را به نمایش گذاشت.» در بخش دیگری از این تحلیل، میرسپاسی به مفهوم «میهن» پرداخت و کوشید تعریفی اجتماعی و انسانی از آن ارائه دهد. او گفت در شرایط جنگ، «میهن» دیگر صرفاً یک مفهوم تاریخی حقوقی یا اسطوره‌ای نیست، بلکه با زندگی روزمره مردم، رنج‌ها و مسائل واقعی آنان معنا پیدا می‌کند. به اعتقاد او، اگر ایران فقط در قالب گذشته‌های باشکوه یا آینده‌های آرمانی تصور شود، «ایران اکنون» و واقعیت ملموس زندگی مردم به حاشیه رانده می‌شود؛ همان ایرانی که با دردها، امیدها و زینست روزمره شهروندان معنا می‌یابد.

امکان ساخت «ایران جدید»

حمیدرضا جوادی‌یگانه، استاد جامعه‌شناسی اجتماعی و فرهنگی جنگ تحمیلی رمضان گفت و بر این نکته تأکید کرد که هدف حملات صرفاً توان نظامی یا برنامه هسته‌ای ایران نبود، بلکه «هر آنچه به عنوان ابزار قدرت و اقتدار ایران شناخته می‌شد» در معرض هدف قرار گرفت. او با قیار دادن رخداد‌های اخیر در سرتاریخ اجتماعی ایران، از ظهور نوعی «شجاعت اجتماعی» سخن گفت که به باور او می‌تواند مبنای شکل‌گیری «ایران جدید» باشد.

او با اشاره به حافظه تاریخی ایرانیان و حس بازگشت به گذشته‌ای پرافتخار گفت: «در تاریخ و ادبیات ایران همواره نوعی حس بازگشت به گذشته‌ای استوار ایستاده است.» او در ادامه،



عکس: انا

وحید شالچی استاد دانشگاه علامه طباطبایی

اختلاف داخلی که به تضعیف منافع ملی منجر شود را غیرقابل قبول خواند: «هرگونه مطالبه یا انتقادی باید به‌گونه‌ای دنبال شود که در جهت منافع ملی باشد و زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم نکند.» او در جمع بندی سخنان خود، براهمیت همدلی اجتماعی تأکید کرد و افزود: «حتی کسانی که از روی ناگاهی یا عصبانیت مواضع متفاوتی دارند نیز بخشی از این ملت هستند و عبور از شرایط دشوار کنونی، مستلزم کنار هم نگه داشتن تمامی ظرفیت‌های جامعه و تقویت همراهی عمومی است.»

او در بخش دیگری از سخنان خود، با بازگشت به تاریخ استعمار در منطقه، از پیوند میان توسعه غرب و بهره‌برداری از شرع سخن گفت و افزود: «غرب در دوران توسعه خود به شدت به ظرفیت‌ها و تولیدات شرق، از جمله ایریشم و کالاهای گوناگون، وابسته بود.» او معتقد است، همین وابستگی تاریخی زمینه‌ساز شکل‌گیری پروژه‌های سلطه‌جویانه در منطقه شد که نمونه بارز آن، حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس است. طاووسی مسرور با اشاره به دوره حضور قدرت‌های استعماری در جنوب ایران گفت که این نیروها از سواحل هند تا هرمز، قشم، بحرین و بندر کمبرون «در اختیار گرفتند و هدفشان نه صرفاً حضور نظامی، بلکه کنترل اقتصادی و سیاسی منطقه بود. او تأکید کرد که ایران در برابر این روند، منفعل نبود و با بهره‌گیری از رقابت قدرت‌ها، راهبردی متفاوت



سمت چپ: حسین هوشمند



محمدرضا جوادی یگانه



سمت چپ: سعید طاوسی مسرور



از سمت راست: محمدباقر خرمشاد. قیاد منصوربخت

زادگاه اختلاف و تفاوت هستند.»

او سیاست را مهم‌ترین و پیچیده‌ترین عرصه حیات اجتماعی دانست؛ عرصه‌ای که نه تنها خود دارای ابعاد متعدد است، بلکه با همه حوزه‌های خارجی اجتماعی نیز درهم‌تنیده است. از نظراو، سیاست در اصل به معنای «قدرت الزام‌آور برای حل مسائلی است که مردم به‌تنهایی قادر به حل آنها نیستند» و در عین حال می‌تواند به‌عنوان سازوکاری برای اجرای قواعد اخلاقی در قالب قانون نیز فهم شود. در همین چهارچوب، او یکی از خطرهای اصلی در فهم سیاست را «تحویل‌گرایی» دانست؛ یعنی فروگاستن سیاست به یک بُعد خاص و نادیده گرفتن سایر ابعاد آن.

بخش مهمی از نقد او متوجه وضعیت تاریخی دانشگاه در ایران بود. منصوربخت معتقد است که از دوره دارالفنون تا دانشگاه مدرن، یک مشکل مزمن در فهم سیاست وجود داشته که آن را به پدیده‌های روزمره، مقطعی و بی‌ریشه تقلیل داده است. به همین دلیل، به گفته او، خروجی نظام آموزش علوم سیاسی اغلب چیزی بیش از توصیف وضعیت موجود، تحلیل طرف‌های درگیر و نهایتاً پیش‌بینی‌های محدود نیست.

او در توضیح وضعیت کنونی علوم‌انسانی در ایران تأکید کرد که یکی از بحران‌های اصلی، فقدان «نظریه سیاسی پایه» است؛ بحرانی که به باور او ریشه در ترکیب نگاه پوزیتیویستی و نادیده گرفتن تاریخ‌مندی جوامع دارد: «در چنین شرایطی، جامعه نه جایگاه خود را در تاریخ درک می‌کند و نه نسبت نظری و عملی خود را با دوره تاریخی‌اش می‌فهمد.» او همچنین با اشاره به نسبت طولانی ایران با تمدن غرب، از صوبه تا دوره پس از انقلاب اسلامی، تأکید کرد که با وجود قرن‌ها مواجهه، همچنان مسأله اصلی

حل نشده باقی مانده است. از نظر او، این وضعیت باعث شکل‌گیری نوعی سردرگمی نظری در دانشگاه و نیز سیاست‌زدگی در فضای فکری شده است؛ وضعیتی که در آن همه چیز سیاسی دیده می‌شود اما خود سیاست به‌درستی فهم نمی‌شود.

مراقب «جنگ دیجیتال» باشیم

حسین هوشمند، استاد اخلاق تطبیقی دانشگاه کنکوردیا کانادا، در این همایش تصویری چندلایه گرفته‌اند و این اقدام بر اساس قوانین بین‌المللی مصداق جنایت جنگی است.» او در ادامه با انتقاد که از میدان نظامی فراتر رفته و به عرصه‌های آموزش، اقتصاد، انرژی و حتی فناوری‌های هوش مصنوعی امتداد می‌یابد. در بخش اول، او با اشاره به هدف قرار گرفتن نهادهای علمی گفت: «بر اساس گزارش‌های موجود، دست‌کم ۲۱ دانشگاه و مؤسسه آموزشی هدف حمله نظامی قرار گرفته‌اند و این اقدام بر اساس قوانین بین‌المللی مصداق جنایت جنگی است.» او در ادامه با انتقاد از سکوت نهادهای بین‌المللی و نقش کم‌رنگ سازمان‌های جهانی، «نظارت بین‌المللی بر جنگ» را زیر سؤال برد.

هوشمند در تحلیل الگوی جدید جنگی، از مفهومی استفاده می‌کند که آن را «مدل اسرائیلی» می‌نامد؛ مدلی که صرفاً به اهداف نظامی وضعیت نیست و زیرساخت‌های گسترده‌تری را دربر می‌گیرد: «آنچه در این جنگ مشاهده شد، نوعی الگوی جنگی است که می‌توان آن

رسول نوروزی، معاون پژوهشی و فناوری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس در گفت و گو با «ایران»:

ورزش می تواند نظام عاطفی مشترک در جامعه ایجاد کند

مسئولیت اجتماعی نباید تنها بر دوش ورزشکاران قرار گیرد

مهری رنجبر موضوع مسئولیت اجتماعی ورزشکاران، به عنوان یکی از شاخصه‌های اثرگذار در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی و ارتقای سرمایه اجتماعی، همواره مورد توجه پژوهشگران و افکار عمومی بوده است. ورزشکاران و قهرمانان ورزشی، فراتر از میدان رقابت، در جایگاه الگوهای اجتماعی قرار دارند و می‌توانند نقش مهمی در جهت‌هی به ارزش‌ها، رفتارهای جمعی و تقویت همبستگی

از نگاه جامعه‌شناسی ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را چطور می‌توان توضیح داد؟ آیا ایند مسئولیت بیشتر به تصمیم‌وکنش آگاهانه خود ورزشکار برمی‌گردد یا نتیجه فشارها و انتظاراتی است که از سوی ساختارها و نهاد‌های اجتماعی به‌او تحمیل می‌شود؟

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان امری مبتنی بر اراده فردی یا به‌طور کامل تابع ساختارهای نهادی در نظر گرفت؛ بلکه این مفهوم حاصل رابط‌های دیالکتیکی میان «عاملیت» و «ساختار» است.

در چهارچوب نظری « سنت ویری» ، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را می‌توان نوعی «کنش اجتماعی معنادر» دانست؛ کنشی که همچون سایر کنش‌های اجتماعی، را در نظر گرفتن دیگران و به صورت هدفمند انجام می‌شود و در نتیجه حامل معناست. برای مثال، هنگامی که یک ورزشکار در مواجهه با چالش‌های اجتماعی مانند زلزله یا جنگ تصمیمی موضع‌گیری می‌کند، این کنش را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان واکنشی فردی تفسیر کرد؛ بلکه این رفتار نوعی کنش اجتماعی است یا به‌عطفوف به هدف مشخصی است یا بر مبنای نوعی عقلانیت شکل می‌گیرد؛ عقلانیتی که نسبت به افکار عمومی و نظم اخلاقی حاکم بر جامعه فاسر است و در همان چهارچوب بروز می‌یابد.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تا چه حد تحت تأثیر فشارها و انتظارات مجموعه‌ها و محیط اجتماعی شکل می‌گیرد؟

از دیدگاه ساختاری، می‌توان ورزشکاران را در «میدان ورزش» تحلیل کرد؛ میدانی که دارای قواعد، سرمایه‌ها و انتظارات خاص خود است. در این چهارچوب، مسئولیت اجتماعی بیش از آنکه صرفاً انتخابی فردی باشد، محصول فشارهای ساختاری وارد بر ورزشکاران است. این فشارها از سوی عوامل مختلفی همچون رسانه‌ها، باشگاه‌ها، حامیان مالی، افکار عمومی و حتی ساختارهای اجتماعی اعمال می‌شوند. بر این اساس، بسیاری از کنش‌هایی که در ظاهر اخلاقی به نظر می‌رسند، در واقع بخشی از منطق بازتولید مشروعیت در میدان ورزش هستند. به بیان دیگر، برخی از ورزشکاران در پاسخ به الزامات این میدان و برای حفظ یا ارتقای موقعیت خود، به رفتارهایی دست می‌زنند که در قالب «مسئولیت اجتماعی» تفسیر می‌شوند.

آیا می‌توان گفت مسئولیت اجتماعی ورزشکاران صرفاً نتیجه اجبار و فشارهای اجتماعی است؟

وقتی به ورزش در جامعه ایران نگاه می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که ورزشکاران در خلأ عمل نمی‌کنند؛ بلکه کنش‌ها و فعالیت‌های آنها در تعامل با مجموعه‌های مردمی و ورزشی شکل می‌گیرد. رسانه‌های رسمی، شبکه‌های اجتماعی، باشگاه‌ها و حتی برخی نهادهای مدنی، هنگامی به نوعی بر ورزشکاران فشار وارد می‌کنند که بار اخلاقی بیشتری را بر دوش آنها می‌گذارند.

نمی‌توان مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را صرفاً به این فشارها تقلیل داد. این مسئولیت را باید حاصل تعامل «عاملیت» و «ساختار» دانست. در واقع، ترکیبی از عاملیت و ساختار اجتماعی در ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را پدید می‌آورد.

از نگاه نظریه سرمایه اجتماعی، ورزشکاران چه نقشی در ایجاد یا تقویت اعتماد در جامعه دارند؟ بر اساس نظریه‌های معتبر از جمله نظریه «پادام» ، سرمایه اجتماعی متشکل از دو رکن اصلی است: «اعتماد اجتماعی» و «شک‌های همکاری»؛ عناصری که در کنار هم به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کنند.

ورزشکاران دقیقاً نقشه در جامعه دارند؟ ورزشکاران می‌توانند در سه سطح در تولید و بازتولید جامعه و اعتماد اجتماعی نقش داشته باشند. سطح اول، نقش

پیونددهنده (سرمایه پیوندی): ورزشکاران می‌توانند به تقویت هویت‌های جمعی کمک کنند. برای مثال، ورزش‌هایی مانند فوتبال در میان هواداران احساس تعلق ملی، شهری یا قومی ایجاد و پیوند‌های درون‌گروهی را تقویت می‌کنند.

سطح دوم، نقش پل‌زننده (سرمایه پل‌زننده): ورزش این قابلیت را دارد که افراد و گروه‌های مختلف را در یک تجربه مشترک کنار هم قرار دهد. مسابقات ورزشی می‌توانند به‌طور موقت شکاف‌های اجتماعی، طبقاتی، هویتی و قومی را کاهش دهند و نوعی همبستگی میان گروه‌های مختلف ایجاد کنند.

سطح سوم، نقش نهادی (سرمایه نهادی): ورزشکاران با رفتارهای اخلاقی، عملکرد مسئولانه و شفاف می‌توانند به بازسازی اعتماد به مجموعه‌های ورزشی کمک کنند. در جوامعی که با چالش اعتماد روبه‌رو هستند، ستاره‌های ورزشی گاه به‌عنوان چهره‌های مرجع و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این جایگاه می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

آیا می‌توان از ورزشکاران انتظار داشت نقش فراتر از میدان ورزش داشته باشند و این انتظار تا چه حد منطقی است؟

در چهارچوب ساختارهای اجتماعی، «نقش» و «میزان اجتماعی» از عناصر اساسی هستند. هرچه انتظارات اجتماعی از یک فرد بیشتر شود، احتمال بروز «تعارض نقش» نیز افزایش می‌یابد.

تعارض نقش در مورد ورزشکاران یعنی چه؟

تعارض نقش زمانی رخ می‌دهد که از یک فرد، انتظارات متفاوت و گاه متناقضی وجود داشته باشد. در مورد ورزشکاران، اگر حجم این انتظارات زیاد شود، ممکن است آنها نتوانند همه این نقش‌ها را به‌خوبی ایفا کنند. به‌طور مثال، از ورزشکاران انتظار می‌رود هم قهرمان ورزشی باشند، هم الگوی اخلاقی، هم کنشگر اجتماعی و حتی در چالش‌های مختلف موضع‌گیری کنند یا رفتارهای اقتصادی هم‌دلاله داشته باشند. این تعدد انتظارات می‌تواند باعث شود ورزشکار با فشار و پیچیدگی‌های زیادی روبه‌رو شود، عملکردش تحت تأثیر قرار گیرد و حتی دچار فرسودگی شغلی شود. به بیان دیگر، اگر این انتظارات بیش از حد باشند، ممکن است ورزشکار نتواند نقش اصلی و حرفه‌ای خود را به‌درستی ایفا کند و با نوعی بار اضافی فراتر از ظرفیتش مواجه شود.

آیا این وضعیت می‌تواند برای ورزشکاران خطرناک باشد؟

بله، وقتی مجموعه‌های مختلف اجتماعی با چالش اعتماد روبه‌رو می‌شوند، جامعه برای جبران این کمبود، به گروه‌های مرجع مانند ورزشکاران روی می‌آورد. در چنین شرایطی، ورزشکاران به‌طور ناخوشایسته به بستری برای کسب «سرمایه نمادین» تبدیل می‌شوند. اما این موقعیت در کنار فرصت‌ها، پیامدهای هم دارد؛ از جمله اینکه می‌تواند به تعارض نقش و حتی فرسودگی شغلی در میان ورزشکاران منجر شود.

چرا این وضعیت به تعارض نقش منجر می‌شود؟

زیرا از ورزشکاران انتظار می‌رود هم‌زمان چندین نقش متفاوت را ایفا کنند. از یک‌سو باید به عنوان یک شهروند مسئول و کنشگر اجتماعی فعال و هدفمند عمل کنند و نسبت به مسائل جامعه واکنش نشان دهند. از سوی دیگر، از آنها انتظار می‌رود الگوی اخلاقی باشند و معیارهای ارزشی جامعه را نیز رعایت کنند. ترکیب این انتظارات گاهی به حدی گسترده می‌شود که ورزشکار با مجموعه‌ای از نقش‌های متداخل و حتی متعارض روبه‌رو می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند فشار روانی ایجاد کند و عملکرد حرفه‌ای او را تحت تأثیر قرار دهد.

چگونه می‌توان به ورزشکاران کمک کرد تا دچار تعارض نقش نشوند؟ یکی از راه‌حل‌ها، تفکیک میان انواع نقش‌هایی است که از ورزشکار انتظار



قابل مشاهده مانند ورزشکاران متمرکز می‌شود. این امر باعث می‌شود به جای بررسی ریشه‌های اصلی نابرابری، به سراغ نمودهای ظاهری آن برویم و از مسأله اساسی منحرف شویم.

در جوامعی که نابرابری اقتصادی

در حوزه دستمزد وجود دارد، تصویر

ورزشکاران در جامعه چگونه شکل می‌گیرد؟

در جوامعی که از نظر ساختاری و اجتماعی نابرابر هستند، ورزشکاران معمولاً با دو تصویر متناقض مواجه‌اند: از یک‌سو به‌عنوان قهرمانان ملی شناخته می‌شوند و از سوی دیگر، نمادی از فاصله طبقاتی به شمار می‌آیند. در این میان، رسانه‌ها نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دارند. آنها می‌توانند سبک زندگی لوکس و متفاوت ورزشکاران را برجسته‌کنند یا بر فشارهای معیشتی موجود در جامعه تأکید داشته باشند. این نوع بازنمایی ممکن است احساس «محروریت نسبی» را در میان مردم افزایش دهد و حتی به تضعیف رابطه عاطفی جامعه با ورزشکاران منتهی شود. این امر سبک زندگی لوکس و متفاوت ورزشکاران را برجسته‌کنند که از «سرمایه نمادین» خود برای تقویت همبستگی اجتماعی استفاده می‌کنند، تصویر آنها تغییر می‌یابد. در این حالت، ورزشکار از یک چهره مصرف‌گرا و مرفه به شخصیتی مردمی و همدل با جامعه تبدیل می‌شود. بنابراین، نحوه بازنمایی نابرابری توسط رسانه‌ها نقش اساسی در جهت‌دهی به همبستگی اجتماعی دارد.

آیا نشان دادن فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران در رسانه‌ها باعث افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود یا ممکن است به‌نمایشی شدن این رفتارها منجر شود؟

برای پاسخ به این پرسش، می‌توان از دیدگاه ساختاری و با تکیه بر نظریه کنش اجتماعی «یوردیو» استفاده کرد. بر اساس این نظریه، کنش‌های خیرخواهانه می‌توانند به «سرمایه نمادین» تبدیل شوند؛ یعنی نوعی سرمایه که برای فرد اعتبار اجتماعی و مشروعیت به همراه می‌آورد. ورزشکاران از طریق مشارکت در امور خیریه، فعالیت‌های اجتماعی یا حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند این سرمایه را افزایش دهند. در نتیجه، محبوبیت اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند، نفوذشان در جامعه افزایش می‌یابد و حتی ممکن است به قدرت اجتماعی افزایش‌یافته دست پیدا کنند. با این حال، نکته مهم این است که اگر جامعه احساس کند این کنش‌ها صرفاً نمایشی یا تبلیغاتی هستند، همان سرمایه‌نمادین» می‌تواند به ضد خود تبدیل‌شود. در چنین شرایطی، اعتماد عمومی کاهش یافته و جای خود را به احساس ناامیدی می‌دهد. بنابراین، آنچه اهمیت دارد، درک و احساس باجمعی نسبت به اصالت یا نمایشی بودن این رفتارهاست.

رسانه‌ها چگونه می‌توانند در اعتمادسازی نقش داشته باشند؟ رویدادهای اجتماعی نیستند، بلکه در ساختن معنا نیز نقش دارند. آنها با انتخاب موضوعات، نحوه روایت، چگونگی پوشش مشخص، می‌توانند الگوی «ورزشکار مطلوب» را شکل دهند.

علاوه بر رسانه‌های رسمی، شبکه‌های رویدادهای اجتماعی هستند، بلکه در ساختن معنا نیز نقش دارند. آنها با انتخاب موضوعات، نحوه روایت، چگونگی پوشش مشخص، می‌توانند الگوی «ورزشکار مطلوب» را شکل دهند.

علاوه بر رسانه‌های رسمی، شبکه‌های رویدادهای اجتماعی هستند، بلکه در ساختن معنا نیز نقش دارند. آنها با انتخاب موضوعات، نحوه روایت، چگونگی پوشش مشخص، می‌توانند الگوی «ورزشکار مطلوب» را شکل دهند.

علاوه بر رسانه‌های رسمی، شبکه‌های رویدادهای اجتماعی هستند، بلکه در ساختن معنا نیز نقش دارند. آنها با انتخاب موضوعات، نحوه روایت، چگونگی پوشش مشخص، می‌توانند الگوی «ورزشکار مطلوب» را شکل دهند.

پیامدهای مثبت و منفی دارد. از یک‌سو، این فضا می‌تواند به ترویج الگوهای مسئولیت اجتماعی و افزایش حساسیت عمومی نسبت به مسائل

اجتماعی کمک کند و از سوی دیگر، می‌تواند پیامدهای منفی نیز داشته باشد، زیرا کنش اجتماعی ممکن است به ابزاری برای بردینگ شخصی تبدیل شود. در این عام‌المنفعه یا خیریه شرکت می‌کنند، ممکن است از این فعالیت‌ها برای تقویت برند شخصی خود استفاده کنند. همچنین نوعی رقابت اخلاقی میان ورزشکاران شکل می‌گیرد؛ رقابتی برای دیده‌شدن بیشتر از طریق نمایش اخلاق‌مداری، پایبندی به اصول اجتماعی و کنشگری اجتماعی که این خود نوعی رقابت جدید فراتر از میدان ورزش ایجاد می‌کند.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تا چه اندازه باید از سطح فعالیت‌های فدراسیون‌ها و ساختارهای ورزشی منتقل شود؟

انتقال مسئولیت اجتماعی از سطح فردی به سطح نهادی، بدون نهادسازی امکان‌پذیر نیست. اگر هدف ما ایجاد مسئولیت اجتماعی پایدار در جامعه باشد، بدون ایجاد ساختارهای نهادی در عمل نمی‌شود. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی نباید تنها بر دوش ورزشکاران قرار گیرد، بلکه باید در سطوح مختلف مانند باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها، لیگ‌های ورزشی، حامیان مالی و حتی در سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه ورزش تعریف و نهادینه شود و جایگاه مشخصی داشته باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، مفهوم «مسئولیت اجتماعی سازمانی» (CSR) در ورزش وجود دارد که به‌عنوان بخشی از ساختار حرفه‌ای باشگاه‌ها تعریف شده است. در صورتی که ساختار حرفه‌ای باشگاه‌ها ضعیف باشد، بار اصلی مسئولیت اجتماعی بر دوش افراد قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، مسئولیت اجتماعی ماهیتی مقطعی پیدا می‌کند و پایدار نخواهد بود. بنابراین، برای اینکه مسئولیت اجتماعی در جامعه پایدار و اثرگذار باشد، لازم است از سطح فردی به سطح نهادی منتقل شود و در همه سطوح ورزش، نهادسازی به‌عنوان یک ضرورت اساسی مورد توجه قرار گیرد.

✂️ برش

آیا این کارکرد ورزش در دنیا شرط یا محدودیتی هم دارد؟ این کارکرد مشروط است. ورزشکاران در همه جای دنیا زمانی می‌توانند نقش میانجی پررنگی میان طبقات و گروه‌های اجتماعی داشته باشند که از فساد و تبعیض دور باشند و در آن جامعه نابرابری‌های ساختاری وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی است که ظرفیت ورزش برای پیوند دادن گروه‌های مختلف اجتماعی تقویت می‌شود.

چگونه می‌توان بین موفقیت حرفه‌ای و ورزشکاران و انتظارات اجتماعی از آنها به عنوان کنشگران اجتماعی تعادل برقرار کرد، بدون اینکه فشار بیش از حد یا سوءاستفاده اجتماعی ایجاد شود؟ تعادل میان موفقیت حرفه‌ای ورزشکاران و انتظارات اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مرز نقش‌ها به‌درستی مشخص باشد. باید پذیرفت که ورزشکاران الزاماً سیاستمدار، روشنفکر یا کنشگر اجتماعی حرفه‌ای نیستند و نقش اصلی آنها ورزش است. آنها می‌توانند در فعالیت حرفه‌ای خود، نقش‌های دیگری نیز داشته باشند، اما نباید همه مسئولیت‌های اجتماعی صرفاً بر دوش آنها قرار گیرد.

از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی باید نهادمند و ساختاری باشد، نه فردمحور. نباید بار اخلاقی و اجتماعی جامعه را فقط بر دوش ورزشکاران گذاشت، زیرا مسئولیت اجتماعی ماهیتی جمعی و مشارکتی دارد و همه نهادها و افراد جامعه در آن سهم دارند.

آیا سکوت یا عدم دخالت ورزشکاران در برخی مسائل اجتماعی یا حوزه‌های دیگر، به معنای رفتار غیراخلاقی است؟

در برخی موارد، لازم است جامعه به بلوغ فکری برسد و حق «عدم



عکس

خبرنگاری نسیم

چه سازوکارهایی می‌توانند مسئولیت اجتماعی ورزش را از یک کنش داوطلبانه و فردمحور به یک سیاست پایدار و ساختاری تبدیل کنند؟

در دنیا سازوکارهای مختلفی برای نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در ورزش وجود دارد. یکی از راهکارهای مهم، شروع آموزش اخلاق حرفه‌ای و حساسیت اجتماعی از سطوح پایه، یعنی در آکادمی‌های ورزشی است. همچنین می‌توان ورزشکاران را در پروژه‌های توسعه محلی و اجتماعی مشارکت داد تا نقش فعال‌تری در جامعه داشته باشند.

بدین ترتیب، ایجاد همکاری میان نهادهای مدنی و نهادهای ورزشی می‌تواند به تقویت مسئولیت اجتماعی در ورزش کمک کند. علاوه بر این، راه‌اندازی یک نظام ارزیابی اجتماعی برای باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها نیز اهمیت دارد؛ به‌طوری‌که میزان پایبندی آنها به مسئولیت اجتماعی

سنجیده شود و در کنار آن، و دیده شدن نیز برای عملکردهای مثبت در ورزش نظر گرفته شود. این مجموعه اقدامات می‌تواند به نهادینه شدن مسئولیت اجتماعی در ورزش کمک کند.

آیا اگر فقط روی مسئولیت فردی ورزشکاران تمرکز کنیم، ممکن است مشکلات ساختاری جامعه نادیده گرفته شود؟

اگر مسائل ساختاری را صرفاً به شکل فردی پذیر نیست. اگر هدف ما ایجاد مسئولیت اجتماعی پایدار در جامعه باشد، بدون ایجاد ساختارهای نهادی در عمل نمی‌شود. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی نباید تنها بر دوش ورزشکاران قرار گیرد، بلکه باید در سطوح مختلف مانند باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها، لیگ‌های ورزشی، حامیان مالی و حتی در سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه ورزش تعریف و نهادینه شود و جایگاه مشخصی داشته باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، مفهوم «مسئولیت اجتماعی سازمانی» (CSR) در ورزش وجود دارد که به‌عنوان بخشی از ساختار حرفه‌ای باشگاه‌ها تعریف شده است. در صورتی که ساختار حرفه‌ای باشگاه‌ها ضعیف باشد، بار اصلی مسئولیت اجتماعی بر دوش افراد قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، مسئولیت اجتماعی ماهیتی مقطعی پیدا می‌کند و پایدار نخواهد بود. بنابراین، برای اینکه مسئولیت اجتماعی در جامعه پایدار و اثرگذار باشد، لازم است از سطح فردی به سطح نهادی منتقل شود و در همه سطوح ورزش، نهادسازی به‌عنوان یک ضرورت اساسی مورد توجه قرار گیرد.

مداخله را نیز به رسمیت بشناسد. سکوت یا عدم حضور اجتماعی لزوماً به معنای رفتار غیراخلاقی نیست. گاهی افراد، از جمله ورزشکاران، شناخت یا تخصص کافی نسبت به یک موضوع ندارند و در چنین شرایطی، سکوت آنها می‌تواند امری طبیعی و حتی قابل احترام باشد. نباید از آنها انتظار داشت همزمان نقش روشنفکر، سیاستمدار و کنشگر اجتماعی را نیز ایفا کنند. بنابراین، عدم مداخله نیز در بسیاری موارد می‌تواند یک انتخاب اخلاقی قابل قبول تلقی شود.

فشارهای اجتماعی چه تأثیری بر ورزشکاران دارد؟ یکی از مسائل مهم، وجود فشارهای روانی و اجتماعی مداوم بر ورزشکاران است؛ به‌گونه‌ای که از آنها انتظار می‌رود در همه حوزه‌ها موضع‌گیری و کنش داشته باشند. این فشارها می‌تواند به فرسودگی روانی منجر شود و در صورت نبود حمایت‌های لازم، مشکلات جدی برای آنها ایجاد کند. حمایت روانی و نهادی از ورزشکاران ضروری است. باید پذیرفت که موفقیت حرفه‌ای آنها در رشته ورزشی‌شان امری مشروع و طبیعی است. شغل ورزشکار، ورزش کردن است و باید قواعد و الزامات این حرفه به رسمیت شناخته شود.

از سوی دیگر، اگر این نگاه پذیرفته شود، موفقیت اقتصادی ورزشکار نیز نباید انتظار شود. درآمد و جایگاه اجتماعی او نتینج مستقیم عملکرد حرفه‌ای‌اش است و می‌تواند به ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی او منجر شود.

در عین حال، انتظارات اجتماعی باید بشکلی معطوف به اصول کلی اخلاقی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری عمومی باشد، نه تحمیل نقش‌های فراتر از حوزه تخصصی او.



ورزشکاران در شکل‌گیری هویت جمعی و تقویت انسجام اجتماعی چه نقشی دارند. بویژه در جوامعی که شکاف‌های اقتصادی و نابرابری در پرداخت دستمزدهای ورزشی وجود دارد.

ورزشکاران بخشی از «تخیل جمعی» یک ملت به‌شمار می‌آیند؛ یعنی در ذهن جامعه، آنها صرفاً افراد حرفه‌ای نیستند، بلکه حاملان نمادهای ملی و اجتماعی‌اند. در چنین چهارچوبی، ورزش می‌تواند تجربه‌ای مشترک برای افراد ایجاد کند.

این تجربه مشترک قادر است به‌طور موفق مرزهای طبقاتی، اقتصادی، قومی و فرهنگی را کم‌رنگ یا تعلق کرده و احساس تعلق ملی را در میان گروه‌های مختلف تقویت کند. به این ترتیب، ورزش به بستری برای هم‌زمانی عاطفی و اجتماعی افراد با پیشینه‌های متفاوت تبدیل می‌شود.

اگر فاصله اقتصادی میان ورزشکاران و جامعه توسط رسانه‌ها بیش از حد برجسته شود، کارکرد وحدت‌بخش آنان تضعیف می‌شود. در چنین شرایطی، ورزشکار ممکن است از جامعه خود جدا و بیگانه به نظر برسد و دیگر نتواند نقش مؤثری در تقویت انسجام اجتماعی ایفا کند.

بنابراین، مشروعیت اجتماعی ورزشکار تنها به موفقیت‌های فنی و ورزشی او وابسته نیست، بلکه به میزان نقش او در ایجاد و تقویت انسجام اجتماعی نیز مرتبط است. این نقش تا حد زیادی به نحوه بازنمایی او در رسانه‌ها بستگی دارد؛ اینکه چگونه تصویر او می‌تواند تجربه مشترک و احساس تعلق ملی را در جامعه تقویت کند.

در نهایت، می‌توان گفت تجربه زیست اجتماعی در ورزش و نحوه تعامل میان ورزشکاران و تصویری که جامعه از آنها می‌سازد، در شکل‌گیری سازوکارهایی مؤثر است که به تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

آیا می‌توان ورزش را در جوامع به‌عنوان یک فضای میانجی میان طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف در نظر گرفت؟

می‌توان ورزش را همانند یک فضای میانجی در نظر گرفت که میان طبقات اجتماعی و گروه‌های مختلف کارکرد دارد.

چرا ورزش چنین کارکردی دارد؟

زیرا ورزش امکان تجربه جمعی را فراهم می‌کند. از طریق ورزش می‌توان تجربه‌های مشترک اجتماعی را مشاهده کرد و حتی نوعی زبان عاطفی مشترک میان افراد ایجاد می‌شود.

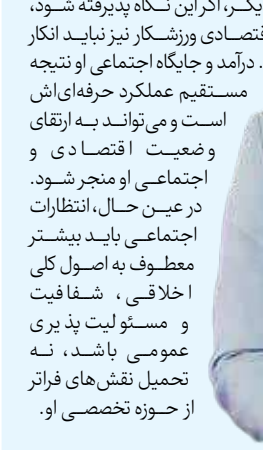
ورزش و موسیقی کارکردهای مشابهی دارند؛ هر دو می‌توانند فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل کنند و درک شوند و افراد با وجود تفاوت‌های سیاسی، زبانی و فرهنگی در آنها مشارکت کنند. در واقع، ورزش می‌تواند به‌عنوان یک زبان ارتباطی میان گروه‌های بسیار نامهمگون، متنوع و متفاوت عمل کند. به همین دلیل، می‌تواند پیونددهنده و نزدیک‌کننده باشد و در بسیاری از موارد شکاف‌های قومی، نسلی و طبقاتی را حتی به‌صورت موقت کاهش دهد.

مداخله را نیز به رسمیت بشناسد. سکوت یا عدم حضور اجتماعی لزوماً به معنای رفتار غیراخلاقی نیست. گاهی افراد، از جمله ورزشکاران، شناخت یا تخصص کافی نسبت به یک موضوع ندارند و در چنین شرایطی، سکوت آنها می‌تواند امری طبیعی و حتی قابل احترام باشد. نباید از آنها انتظار داشت همزمان نقش روشنفکر، سیاستمدار و کنشگر اجتماعی را نیز ایفا کنند. بنابراین، عدم مداخله نیز در بسیاری موارد می‌تواند یک انتخاب اخلاقی قابل قبول تلقی شود.

فشارهای اجتماعی چه تأثیری بر ورزشکاران دارد؟ یکی از مسائل مهم، وجود فشارهای روانی و اجتماعی مداوم بر ورزشکاران است؛ به‌گونه‌ای که از آنها انتظار می‌رود در همه حوزه‌ها موضع‌گیری و کنش داشته باشند. این فشارها می‌تواند به فرسودگی روانی منجر شود و در صورت نبود حمایت‌های لازم، مشکلات جدی برای آنها ایجاد کند. حمایت روانی و نهادی از ورزشکاران ضروری است. باید پذیرفت که موفقیت حرفه‌ای آنها در رشته ورزشی‌شان امری مشروع و طبیعی است. شغل ورزشکار، ورزش کردن است و باید قواعد و الزامات این حرفه به رسمیت شناخته شود.

از سوی دیگر، اگر این نگاه پذیرفته شود، موفقیت اقتصادی ورزشکار نیز نباید انتظار شود. درآمد و جایگاه اجتماعی او نتینج مستقیم عملکرد حرفه‌ای‌اش است و می‌تواند به ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی او منجر شود.

در عین حال، انتظارات اجتماعی باید بشکلی معطوف به اصول کلی اخلاقی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری عمومی باشد، نه تحمیل نقش‌های فراتر از حوزه تخصصی او.





معاون علمی رئیس جمهوری از رقابت‌های روبوکاپ ۲۰۲۶ بازدید کرد

تجربه‌های علمی امروز ضامن آینده فناوری کشور



فاوا

گروه علم و فناوری

کرده‌اند و همین موضوع نشان می‌دهد نسل جدید کشور نگاه جدی به آینده فناوری دارد. افشین همچنین اعلام کرد برگزیدگان این رقابت‌ها به مسابقات جهانی روبوکاپ ۲۰۲۶ در کره جنوبی اعزام خواهند شد و انتظار می‌رود مانند دوره‌های گذشته عملکرد قابل توجهی در سطح بین‌المللی داشته باشند.

رقابت‌هایی برای کشف استعداد‌های آینده

معاون علمی رئیس جمهوری در توضیح ساختار این رویداد علمی گفت رقابت‌های روبوکاپ در دو مرحله برگزار می‌شود. مرحله اول که هم‌اکنون در اردیبهشت برگزار شده، به دانش‌آموزان اختصاص دارد و مرحله دوم در شهریورماه با حضور تیم‌های دانش‌آموزی و دانشجویی برگزار خواهد شد. شرکت‌کنندگان فعلی در بازه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال قرار دارند؛ گروهی که به گفته افشین با وجود سن کم، توانسته‌اند پروژه‌های قابل توجهی در حوزه فناوری ارائه دهند.

این مسابقات در سه بخش اصلی شامل روبات‌های امدادگر، روبات‌های فوتبالیست و روبات‌های نمایشی برگزار می‌شود. در بخش نمایشی نیز تیم‌ها با طراحی سناریوهای مختلف، مفاهیم و داستان‌هایی را با استفاده از روبات‌ها به نمایش می‌گذارند.

افشین با اشاره به حمایت معاونت علمی از تیم‌های برتر گفت تیم‌های منتخب علاوه بر

اعزام به رقابت‌های جهانی، از حمایت‌های آموزشی و تجهیزاتی نیز بهره‌مند خواهند شد تا بتوانند با آمادگی بیشتری در عرصه‌های بین‌المللی حضور پیدا کنند. برای تیم اول نیز برنامه حمایتی ویژه‌ای در نظر گرفته شده تا از مربیان تخصصی تر و تجهیزات پیشرفته‌تر استفاده کنند.

وی همچنین از اختصاص جوایز به تیم‌های اول تا سوم خبر داد و توضیح داد برگزیدگان این مسابقات از امتیازات بنیاد ملی نخبگان نیز بهره‌مند می‌شوند. البته به گفته او، دریافت مدال یا رتبه اول به معنای نخبه شناخته شدن فرد نیست و بنیاد ملی نخبگان براساس نظام امتیازدهی مشخصی، افراد را رتبه‌بندی می‌کند.

تغییرات در طرح سرباز نخبه و بازگشت سکوی هوش مصنوعی

افشین در بخش دیگری از سخنان خود به اصلاح شیوه‌نامه طرح «سرباز نخبه» اشاره کرد و گفت کاهش سهمیه‌های تخصصی در این حوزه باعث شد بازنگری در مقررات این طرح ضروری شود. به گفته او، در برخی حوزه‌ها بویژه رشته‌های پزشکی محدودیت ظرفیت وجود داشت و لازم بود شیوه‌آرزیابی متناسب با شرایط جدید اصلاح شود.

وی توضیح داد: این تغییرات با بررسی داده‌های پنج سال گذشته انجام شده و افرادی که پیش‌تر بر اساس شیوه‌نامه قبلی معرفی شده‌اند، همچنان مطابق همان مقررات مورد بررسی قرار می‌گیرند. در مقابل، متقاضیانی که از ابتدای سال ۱۴۰۵ اقدام کنند، بر اساس ضوابط جدید ارزیابی خواهند شد.

معاون علمی رئیس جمهوری همچنین درباره وضعیت سکوی ملی هوش مصنوعی گفت تا این سکو که در هفته‌های اخیر دچار آسیب شده بود، تا ابتدای خردادماه دوباره به مدار خدمت‌رسانی بازمی‌گردد. به گفته او، در این مدت تیم‌های دانشگاهی، پژوهشی و شرکت‌های دانش‌بنیان به صورت شایانه‌روزی برای بازسازی و آماده‌سازی آن تلاش کرده‌اند و اکنون مراحل نهایی آزمایش‌ها در حال انجام است.

افشین افزود: در آغاز فعالیت دوباره این سکو ممکن است محدودیت‌هایی در ظرفیت پردازشی وجود داشته باشد، اما این ظرفیت به تدریج افزایش خواهد یافت. پیش از این نیز ۶۶ شرکت بزرگ کشور از خدمات سکوی ملی هوش مصنوعی استفاده می‌کردند.

طبق گزارش شرکت فرانسوی Thales

بات‌ها بر اینترنت مسلط شدند

اینترنت

آرزوکنان

گروه علم و فناوری

به‌تازگی شرکت فرانسوی Thales در گزارشی فاش کرده است که بات‌ها (Bots) بخش عمده‌ای از ترافیک اینترنت را در اختیار دارند و نقش آنها در فضای دیجیتال به سرعت در حال گسترش است. طبق داده‌های گزارش «بات‌های بد ۲۰۲۶»: بات‌های بد در عصر عامل محور، در سال ۲۰۲۵، بیش از ۵۳ درصد از کل ترافیک وب توسط بات‌ها تولید شده است؛ رقمی که نسبت به سال قبل، ۵۱ درصد افزایش یافته و نشان می‌دهد فعالیت خودکار در اینترنت از تعاملات انسانی پیشی گرفته است. در این گزارش آمده است که فعالیت‌های کاربران انسانی به ۴۷ درصد کاهش یافته است.

موضوع مهم‌تر گزارش، این است که ۴۰ درصد از این بات‌ها در زمره بات‌های مخرب طبقه‌بندی شده‌اند و همین موضوع، نگرانی‌هایی ایجاد کرده است. این گزارش نشان می‌دهد حملات بات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۵ به مقایسه با سال قبل از آن، افزایش حدود ۱۲.۵ برابری داشته است و احتمالاً این روند افزایشی در سال ۲۰۲۶ نیز ادامه خواهد داشت.

مرز باریک فعالیت مناسب و مخرب بات‌ها

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این گزارش، تغییر ماهیت فعالیت بات‌ها در عصر هوش مصنوعی است. براساس این گزارش، هوش مصنوعی نه تنها حجم فعالیت بات‌ها

را افزایش داده، بلکه مرز میان فعالیت‌های مناسب و مخرب را نیز باریک‌تر کرده و این موضوع به چالش جدی سازمان‌ها تبدیل شده است. طبق این گزارش، APIها (واسط برنامه‌نویسی) و سیستم‌های هوشی، اهداف اصلی مهاجمان هستند چراکه با استفاده از بات‌های هوشمند می‌توانند لایه‌های دفاعی را دور بزنند. این بات‌ها غالباً با درخواست‌های ظاهراً معتبر و احراز هویت قانونی فعالیت می‌کنند به همین دلیل هم تشخیص آنها از کاربران واقعی، دشوارتر می‌شود. طبق این گزارش، ۲۷ درصد از حملات بات‌ها اکنون APIها را هدف قرار می‌دهند. براساس داده‌های Thales، در این نوع حملات، بات‌ها رابط‌های کاربری معمول را دور می‌زنند و با سرعت بسیار بالا، مستقیماً با سیستم‌های پشتیبان تعامل می‌کنند. این حملات می‌توانند برای استخراج داده‌های حساس، سوءاستفاده از منطق کسب‌وکار یا دستکاری گسترده فرآیندهای دیجیتال مورد استفاده قرار گیرند.

تأثیر این روند بویژه در بخش‌های اقتصادی حساس به‌وضوح دیده می‌شود. طبق گزارش تالس، صنعت خدمات مالی ۲۴ درصد از کل حملات بات‌ها را تجربه کرده و ۴۶ درصد از موارد تصاحب حساب‌های کاربری نیز در همین حوزه رخ داده است. این آمار نشان می‌دهد مهاجمان سایبری به طور فزاینده‌ای از اتوماسیون و هوش مصنوعی برای کسب درآمد مستقیم از حملات دیجیتال استفاده می‌کنند. در مجموع، یافته‌های این گزارش تصویری از آینده‌ای را ترسیم می‌کند که در آن اتوماسیون هوشمند به نیروی غالب در اینترنت تبدیل شده است؛ آینده‌ای که در آن سازمان‌ها باید پیش از گذشته بر مدیریت رفتار بات‌ها، تحلیل نیت آنها و محافظت از زیرساخت‌های حیاتی دیجیتال تمرکز کنند.

منبع: interestingengineering



برش

بات‌ها نوعی برنامه‌وب هستند که برای انجام وظایف تکراری و خاص به صورت خودکار، طراحی شده‌اند. با رشد روزافزون بات‌ها، این ابزارها جایگزین انسان شده‌روز به روز هم پیشرفته‌تر می‌شوند. همه بات‌ها بد نیستند اما برخی از آنها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به ضرر افراد، رایانه‌ها یا شبکه‌ها فعالیت می‌کنند و فعالیت مخرب دارند که باید به این دسته از بات‌ها توجه بیشتری داشت. برخی بات‌ها برای رتبه‌بندی سایت‌ها به موتور جست‌وجو کمک می‌کنند، برخی دیگر به بررسی محصولات و جمع‌آوری داده‌های پربازند، برخی بر شبکه‌های اجتماعی اجرایی شوند و از اعمال انسان‌ها تقلید می‌کنند تا بر کاربران یا بازارهایی که به آمار و برداشته‌های رسانه‌های اجتماعی متکی هستند تأثیر بگذارند. گاهی هم ترافیک سایت‌ها بدون هیچ توضیح خاصی، بالا می‌رود که این موضوع می‌تواند در نتیجه حمله یک بات باشد. این تنها بخشی از فعالیت بات‌ها در دنیای اینترنت است.

تلاش کره جنوبی برای ساخت مغز روبات‌ها

نیرویی که می‌تواند داده‌هایی کلیدی برای آموزش روبات‌ها فراهم کند. همان‌طور که چت‌بات‌ها با میلیون‌ها کلمه آموزش می‌بینند، روبات‌های فیزیکی نیز برای یادگیری رفتارهای پیچیده به انبوهی از داده‌های انسانی نیاز دارند.

دولت کره نیز اخیراً پروژه‌ای ۳۳ میلیارد دلاری را آغاز کرده تا «دانش غریزی» کارگران بات‌چهره را ثبت کند؛ دانشی که می‌تواند برای مقابله با کمبود نیروی کار ناشی از پیری جمعیت، در اختیار روبات‌ها قرار گیرد. RLWRDL اعلام کرده اولین مدل پایه خود را ساخته و انتظار دارد از سال ۲۰۲۸ روبات‌های مجهز به این فناوری وارد خطوط تولید شوند. برنامه‌های هیوندای و سامسونگ نیز همین بازه زمانی را هدف گرفته‌اند. هیوندای قصد دارد روبات‌های بوستون داینامیکس را در کارخانه جدید خود در آمریکا به کار گیرد و سامسونگ می‌گوید تا سال ۲۰۳۰ تمامی سایت‌های تولیدی خود را «هوشمند» خواهد کرد.

در مقابل، اتحادیه‌های کارگری از احتمال از بین رفتن مشاغل ابراز نگرانی کرده‌اند. حتی رئیس جمهوری کره نسبت به توقف ناپذیر بودن پیشرفت هوش مصنوعی اظهار نظر کرده و از کارگران خواسته با این تغییرات سازگار شوند. با این حال کارشناسان معتقدند روبات‌ها به رغم پیشرفت، هنوز از توانایی‌های انسانی فاصله دارند؛ به خصوص در ظرافت‌های حرکتی.

در تلاش برای ساخت دست‌ها پنج‌انگشتی است. اما فعلاً روبات‌ها برای انجام کارهایی مانند تمیز کردن اتاق هتل چندین ساعت زمان نیاز دارند. با وجود این فاصله، هتل لوتو امیدوار است تا سال ۲۰۲۹ بخشی از کارهای پشت‌صحنه را به روبات‌ها بسپارد؛ هرچند کارکنانی مانند دیوید پارک باور دارند که روبات‌ها فقط بخشی از کارهای تکراری را خواهند گرفت و تعامل انسانی همچنان جایگاه خود را حفظ خواهد کرد.



حرکات کارشناسان را بازسازی می‌کنند تا اطلاعات دقیق‌تری از زاویه مفاصل، شدت نیرو و ترتیب حرکات به دست آورند. کره جنوبی می‌خواهد با تمرکز بر «هوش مصنوعی فیزیکی»، از رقاباتی چون آمریکا و چین عقب نماند. در حالی که شرکت‌هایی مانند تسلا و سازندگان چینی میلیارد‌ها دلار در روبات‌های انسان‌نما سرمایه‌گذاری کرده‌اند، کره‌ای‌ها مزیت خود را در نیروی کار ماهر می‌دانند؛

روبات

رهامنفرند

گروه علم و فناوری



کارخانه خود در آریزونای آمریکا در حال راه‌اندازی یک مرکز پیشرفته برای بسته‌بندی ترانه‌هاست. سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولت آمریکا در صنعت نیمه‌هادی و تلاش برای بومی‌سازی بخشی از زنجیره تأمین ترانه در حال نتیجه دادن است. برنامه‌های توسعه‌ای تی‌اس‌ام‌سی در آمریکا به همین جا محدود نمی‌شود. این شرکت ساخت سومین و چهارمین

بازار جهانی تراشه تا ۲۰۳۰ به مرز ۱.۵ تریلیون دلار می‌رسد

فناوری

با سرعت زیادی در حال رشد است. در همین راستا، تی‌اس‌ام‌سی در حال تکمیل دومین کارخانه خود در ایالت آریزونای آمریکاست. این پروژه بخشی از برنامه گسترده این شرکت برای افزایش ظرفیت تولید در خارج از تایوان محسوب می‌شود. طبق گزارش خبرگزاری رویترز، این شرکت قصد دارد در سال جاری تجهیزات بسیار پیشرفته و فوق حساس تولید تراشه را به سایت آریزونا منتقل کند تا خطوط تولید این مجموعه به‌طور کامل راه‌اندازی شوند. منابع آگاه از روند پروژه اعلام کرده‌اند که بازدهی تولید در کارخانه آریزونا قرار است با کارخانه‌های اصلی تی‌اس‌ام‌سی

شرکت صنایع نیمه‌هادی تایوان (TSMC) که به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده قراردادی تراشه در جهان شناخته می‌شود، پیش‌بینی کرده است ارزش بازار جهانی نیمه‌هادی‌ها تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۱.۵ تریلیون دلار افزایش پیدا کند. این پیش‌بینی در شرایطی مطرح شده که تقاضا برای تراشه‌ها در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، خودروهای هوشمند، مراکز داده و دستگاه‌های الکترونیکی

در همین تجربه‌ها و فعالیت‌های علمی نوچونان دارند. وی با اشاره به تلاش چندماهه شرکت‌کنندگان افزود که بسیاری از تیم‌ها در حدود دو ماه گذشته به‌طور مستمر روی پروژه‌های روباتیک و هوش مصنوعی کار

حوزه فاوا

«حسین روزبه»، رئیس سازمان توسعه همکاری‌های علمی و فناوریانه بین‌المللی معاونت علمی ریاست جمهوری در حاشیه مسابقات انتخابی روبوکاپ ۲۰۲۶ اظهار کرد: «در شرایط خاصی که جامعه با آن روبه‌رو است، گرد هم آمدن استعداد‌های جوان کشور در کنار یکدیگر و نمایش توانمندی‌های علمی و فناوریانه آنان، نشان‌دهنده ظرفیت بالای استعداد ایرانی در حوزه‌های مختلف دانش و فناوری است.» وی بیان کرد: «حضور نوجوانان و جوانان نشان می‌دهد استعداد ایرانی در هر سنی و در هر شرایطی می‌تواند در مرزهای دانش و فناوری حرکت کند و این ظرفیت، مسئولیت ما را به عنوان خدمتگزاران اکوسیستم فناوری کشور دوچندان می‌کند.» وی درباره وضعیت تعاملات فناوریانه در دوران پساچنگ گفت: «بخش خصوصی فناوری در ایران ظرفیت منحصره‌فردی برای تعاملات بین‌المللی دارد.»

فناوری

گوگل تغییر قابل توجهی در سیاست ذخیره‌سازی حساب خود ایجاد کرده است و ۱۵ گیگابایت فضای ذخیره‌سازی رایگان معمول را فقط به حساب‌هایی که با شماره تلفن تأیید شده‌اند، محدود می‌کند. واتس‌آپ از قابلیت جدیدی به نام «چت‌های ناشناس» (Incognito Chats) با Meta AI رونمایی کرد. کاربران می‌توانند داخل واتس‌آپ با چت‌بات متا در فضای خصوصی گفت‌وگو کنند.



موبایل

گوشی‌های اندرویدی از این پس عادت‌های کاربر را یاد می‌گیرند؛ ویژگی جدیدی که بر پایه هوش مصنوعی بنا شده است. این سیستم با تحلیل عادت‌های روزانه و موقعیت مکانی، اقدامات بعدی کاربر را پیش‌بینی می‌کند و آنها را پیشنهاد می‌دهد. گزارش جدید مؤسسه کانتریپونت نشان می‌دهد اپل در سه ماهه اول ۲۰۲۶ بیش از گذشته بازار گوشی آمریکا را در اختیار گرفته و از سوی دیگر، گوگل همچنان سهم محدود خود را حفظ کرده است. طبق این گزارش، فروش آیفون در سه ماهه اول ۲۰۲۶ نسبت به سال قبل ۱۳ درصد رشد کرده؛ در حالی که آمار فروش در کل بازار موبایل آمریکا ۵.۷ درصد افت داشته است.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

محققان از هوش مصنوعی، در تشخیص آمبولی ریه استفاده می‌کنند. در این تحقیق، بررسی میزان هماهنگی میان تشخیص پزشکان رادیولوژیست و الگوریتم هوش مصنوعی با هدف ارزیابی کارایی این فناوری در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش، از سامانه هوش مصنوعی AIDOC استفاده شده که برای شناسایی موارد مشکوک به آمبولی ریه طراحی شده است.

علم

پژوهشگران دریافته‌اند که نوزادان انسان و پرنده «فنج راه‌راه» روش مشابهی برای یادگیری صداها دارند و در هر دو، تشویق والدین نقش کلیدی در سرعت یادگیری سخن گفتن ایفا می‌کند. دانشمندان با استفاده از «لنزهای تماسی»، بر اسپرنگ غلبه می‌کنند. در این پژوهش که عنوان آن در درمان اختلالات مغزی از طریق چشم اشاره دارد، نشان می‌دهد که می‌توان با یک ابزار پوشیدنی شفاف و نرم، نواحی خاصی از مغز مرتبط با افسردگی را هدف قرار داد. آنها لنزهایی را طراحی کرده‌اند که بتوانند سیگنال‌های الکتریکی بسیار ملایمی را به شبکه منتقل کنند تا افسردگی را درمان کند.



محققان دانشگاه بریتیش کلمبیا، فرآیندی را که گیاهان برای ایجاد «میترافلین»، یک ترکیب طبیعی نادر که به دلیل خواص احتمالی مبارزه با سرطان مورد توجه قرار گرفته است، کشف کرده‌اند. این مولکول‌ها به دلیل ساختارهای حلقه‌ای پیچ‌خورده غیرمعمول و اثرات زیستی قدرتمندشان که شامل فعالیت ضد التهابی و ضد توموری است، شناخته می‌شوند. پژوهشگران دانشگاه ساوتهمپتون در انگلیس در حال آزمایش روشی تازه برای ردیابی آلودگی خطرناک هوا هستند؛ روشی که از پوست درختان برای شناسایی منشأ و میزان آلودگی در مناطق مختلف استفاده می‌کند.



جنگ در دنیای اساطیر

گزارش نشست جنگ و مذاکره در شاهنامه با سخنرانی نسرین فقیه ملک مرزبان

گزارش

بهار خسروی

گروه کتاب

در روزهایی که «جنگ» و «مذاکره» دو مفهوم محوری و کانونی فضای اجتماعی و سیاسی جامعه ایران هستند، بازخوانی جنگ‌های شاهنامه اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند؛ چرا که شاهنامه صرفاً روایت نبردهای اسطوره‌ای و تاریخی نیست، بلکه چهارچوبی فکری برای درک چیستی قدرت، مقاومت، اخلاق و خرد سیاسی در سنت ایرانی فراهم می‌کند. در این جهان حماسی، جنگ تنها عرصه نمایش زور بازو نیست، بلکه آزمونی برای سنجش فره ایزدی، تدبیر و منش پهلوانی به شمار می‌رود. نشست «جنگ و مذاکره در شاهنامه» یکی از این بازخوانی‌های مهم به حساب می‌آید. این نشست چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی با سخنرانی نسرین فقیه ملک مرزبان، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء در شهرکتاب مرکزی برگزار شد. نسرین فقیه ملک مرزبان دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دارد و مقالات و سخنرانی‌های بسیاری در کارنامه او وجود دارد. از آثار او می‌توان به کتاب «اهلی شیرازی» و ترجمه کتاب «سبک شناسی» یل سیمپسون اشاره کرد. در ابتدای نشست «جنگ و مذاکره در شاهنامه» که علاقه‌مندان، شاگردان و برخی از اهالی زبان و ادبیات فارسی حضور داشتند، کپ و گفت‌وگو صمیمانه‌ای میان این استاد دانشگاه و شاگردان او شکل گرفت.

نسرین ملک مرزبان سخنرانی خود را با نسبت ادبیات و زندگی آغاز کرد و با اشاره به اهمیت ادبیات در شکل‌گیری ذهنیت تاریخی و فرهنگی جوامع، تأکید کرد ادبیات، اسطوره و تاریخ صرفاً روایت‌هایی متعلق به گذشته نیستند، بلکه همچنان بر شیوه تفکر، تصمیم‌گیری و مواجهه انسان معاصر با جهان اثر می‌گذراند؛ «ما با ادبیات زندگی می‌کنیم»، تأثیر آن در دنیا و جهان امروز بی‌نهایت مهم است. از نظر من وقتی اسطوره‌ها، داستان‌ها و تاریخ به صورت قصه در می‌آیند، درناخودگامی جمعی تأثیرگذار می‌شود، چنانکه ما در همین لحظه نیز به نوعی با اسطوره‌ها زندگی می‌کنیم. اثرگذاری این اسطوره‌ها در برخی مکاتب روانشناختی به عنوان یک نظریه مطرح شده است. نظریه‌هایی هستند که اعتقاد دارند ما یک «من نژادی» داریم و برآن اساس اسطوره‌ها در ذهن ما باقی می‌مانند. در این خصوص وقتی به هویت ایرانی و میزان مقابله، تعامل و شیوه‌های برخورد در دنیای امروز توجه می‌کنیم، این پرسش به وجود می‌آید که ما ایرانی‌ها کجای این جهانیم؟ یا این همه ماجرا چرا در حال اتفاق افتادن است و رخدادهایی که در طی تاریخ روی داده، آیا منشأیی با روحیات، شیوه‌های حکمرانی، بحث‌های تجاری و مالکیت ما دارند؟ یا باید براساس نظریات علوم انسانی با نگاه دیگری بدان پرداخت.

بنابراین یکسری فرض را برای خود قرار می‌دهیم، اینکه اسطوره‌ها در ذهن ما تأثیر می‌گذراند. تاریخ اسطوره‌ها و ذهنیت قصه‌های دیرینه ما همچنان روی تصمیم‌گیری امروزمان مؤثر هستند. یک ماجراهایی انگار از دورن ما بیرون نمی‌روند و همواره با ما هستند، اگر تصمیم بگیریم مهاجرت کنیم و ارتباط خود را با کشور و مردم ایران قطع کنیم اما همچنان حس‌هایی با ما می‌ماند. اینجا یک مسأله‌ای که وجود می‌آید که سال‌ها درباره‌اش پرس‌وجو کرده‌ام، اینکه بعضی از شخصیت‌های اسطوره‌ای مثل یک کهن الگو یا صورت‌الزی در من و شما وجود دارند. به اعتقاد من، بسیاری از عناصر هویتی ایرانیان همچنان تحت تأثیر شخصیت‌ها و روایت‌های اسطوره‌ای شاهنامه قرار دارد، و برآن اساس ایرانیان ساکن دیگر کشورها در برخی مناسبت‌ها و آیین‌ها، همچون عید نوروز، پیوند عاطفی خود را با این میراث فرهنگی حفظ می‌کنند. به کسانی که این اعتقاد را نپذیرند حق می‌دهم اما با توجه به تحقیقاتی که انجام داده‌ام، انگار چند شخصیت در همه ما وجود دارد، شخصیت‌هایی چون جمشید و فریدون. همه به نوعی با رستم و هراچ که بره‌های مختلف زندگی این قهرمان‌رخ ناز داده است ارتباط داریم. حتی آنهایی که خود را به غریبگی می‌زنند هم در عید نوروز حس خاصی دارند و در لحظه تحویل سال، حال عجیبی را تجربه می‌کنند. لحظه‌ای در شاهنامه آمده است که دیوها تختی را برای جمشید ساخته و آن را بالا می‌برند تا سایه خورشید بر سر تخت جمشید بیفتد، مردم با دیدن این صحنه غریب شادی و نشاط سر می‌دهند، شادی‌کنان نوشیدنی و رامشگر می‌خواهند و آن لحظه را ستایش می‌کنند. بعدها اسم این اتفاق و آن لحظه شاد را نوروز می‌گذارند. معتقدم چه بخوایم و چه نخواستیم، این لحظه در ذهن من و شما ثبت شده است، انگار آن لحظه را در ناخودآگاه‌مان داریم. و من در درون خود فریدون، رستم و جمشید و... را دارم. برخی نظریه‌های روان‌شناختی، بویژه دیدگاه‌های مرتبط با کارل گوستاو یونگ وجود دارد که باید آن را بیان کنیم. این نظریه‌ها می‌گویند که اسطوره‌ها و روایت‌های کهن در ناخودآگاه جمعی ملت‌ها باقی می‌مانند و در رفتارها و الگوهای فرهنگی آنها

بازتاب پیدا می‌کنند. شخصیت‌هایی چون جمشید، فریدون و رستم به‌نوعی در ناخودآگاه فرهنگی همه ما ایرانیان حضور دارند، این کهن‌الگوها در شیوه تعامل، تصمیم‌گیری و حتی واکنش‌های اجتماعی ایرانی‌ها اثرگذار می‌شوند. در این جهان حماسی به زیست خود ادامه می‌دهیم. و در این بین به شیوه‌های مختلف در مواجهه با مرادوات داخل جامعه و لایه‌های مختلف اجتماعی هستیم. مردم خارج از ایران نیز برخورد داریم. شاید برخی کارهای ما برای مردم جهان و کشورهای دیگر ناآشنا باشد. امروز قصد دارم درباره جنگ در دنیای اساطیر که انگار در بطن ما تأثیرگذار بوده است، صحبت کنم. روی شاهنامه، کتابی اسطوره‌ای متمرکز می‌کنیم که خوشبختانه همچنان در جامعه ما خواننده دارد. اگر کتاب مهجور و ناشناس بود، داستان فرعی اما اینگونه نیست، حتی دانش‌آموزان دبستانی هم با خواندن شاهنامه، ماجراهای آن را می‌پذیرند، این کتاب یک داستان بسیار قدیمی و برای نسل‌های گذشته است، اما وقتی پسر و دختر ۸ یا ۹ ساله هم از این کتاب خوششان می‌آید، یعنی هنوز جزو کتاب‌های اثرگذار است.»

«آز» عامل شکل‌گیری جنگ‌ها در شاهنامه

او سخنرانی خود را با بررسی علل شکل‌گیری جنگ در شاهنامه ادامه داد و گفت: «پرسش‌هایی برای همه ما وجود دارد درباره اینکه جنگ‌های شاهنامه چقدر اتفاق افتاده است؟ در چه انواعی و با چه ابعادی بوده‌اند؟ آیا در آن زمان مرادوه و مذاکره با نغمه مخاطب متخاصم وجود داشته است؟ ما باید خودمان را گذشته‌مان را مرور و مطالعه کنیم. تعریف ما از جنگ در آنچه که امروز رخ می‌دهد با مفهومی که در شاهنامه، کتاب‌های تاریخی و اسطوره‌های وجود دارد، متفاوت است. هر اسم با هر مفهومی در گذر زمان، مفاهیم گفتمان مربوط به دوره خود را کسب می‌کند. از آن سخت‌تر ماجرای مذاکره است، معنی امروزی دیپلماسی، قوانین بین‌المللی، حقوق بشر و بحث‌های نظامی، غیرنظامی با آن دوران تفاوت دارد. آن چیزی که از مذاکره در شاهنامه آمده، با زمان حال خیلی تغییر داشته است.

جنگ در شاهنامه صرفاً نبردی فیزیکی و نظامی نیست، بلکه دارای ابعاد فرهنگی، ذهنی، روانی و سیاسی هم هست. ما امروز درباره حیطه قدرت میان انسان‌ها سخن می‌گوییم، جنگ‌های شاهنامه میان انسان‌ها به انواع مختلفی همچون جنگ‌های داخلی، جنگ با بیگانگان، نبردهای تن‌به‌تن و لشکرکشی‌های گسترده، حکمرانی‌ها و... تقسیم می‌شوند. در بسیاری از موارد دو قسمت قابل مشاهده است، جنگ‌های سخت و نرم. جنگ سخت که با سخت‌افزارهایی همچون نیزه، کمان، کماند و ابزار و ادوات جنگی اتفاق می‌افتد. اما در کنار جنگ سخت، نوعی جنگ نرم نیز در شاهنامه قابل مشاهده و خواندن است؛ جنگی که از طریق نمایش قدرت، اقتناع، فریب یا اثرگذاری روانی بر دشمن شکل می‌گیرد. در جنگ نرم، چه قبل جنگ سخت، چه در میانه و چه بعد از آن، افراد متوجه یکسری از سیاست‌های جنگی می‌شوند. جنگ نرم یعنی یکسری اقداماتی که ذهنیت و رفتار جبهه مخالف را تغییر دهد و حتی در برداشت هم‌جبهه‌های خود، علیه مخالفان اثرگذار باشد. نمونه‌هایی از

نگاره‌ای از نبرد برته کورم (مبارز تورانی) که «دوازده رخ» از شاهنامه طهماسبی، برته در این نبرد پیروز شد



این جنگ نرم در روایت‌های مربوط به رستم و اسفندیار، سیاوش و افراسیاب و دیگر داستان‌های شاهنامه وجود دارد. از سوی دیگر فردوسی در شاهنامه بارها و بارها از واژه «آز» برای اشاره به زیاده‌خواهی، قدرت‌طلبی و سب‌روی‌ناپذیری انسان‌ها استفاده می‌کند و این مفهوم در بسیاری از نبردها و بحران‌های شاهنامه حضور دارد. «آز» مهم‌ترین عامل شکل‌گیری جنگ‌ها در شاهنامه است. به متون کهنی چون «دینکرد» و «بندش» استناد می‌کنیم که «آز» از مفهومی ریشه‌دار در اندیشه ایرانی می‌دانند که حتی در برخی متون به صورت «بیوی» با ویژگی‌های ویرانگر معرفی شده است. بسیاری از جنگ‌های شاهنامه از میل به قدرت، کشورگشایی، انتقام یا برتری‌طلبی ناشی می‌شوند؛ با این حال، در برابر این انگیزه‌ها، مفاهیمی چون دادگری، اخلاق، وطن‌دوستی و دفاع از عدالت نیز قرار دارند. جنگ نیست، بلکه بارها بر ضرورت عدالت و پرهیز از بیداد در هنگام نبرد هم تأکید می‌کند.»

نمونه‌ای از مذاکره در میان جنگ

ملک مرزبان در ادامه صحبت‌های خود به علل دیگری از وقوع جنگ‌ها اشاره کرد و افزود: «علل دیگر جنگ‌ها، بحث انتقام و کینه‌جویی است. انتقام یکی از انگیزه‌های مهم جنگی در شاهنامه محسوب می‌شود. امروز لفظ کینه‌خواهی، شاید بد یا منفی تلقی شود اما در شاهنامه چنین نیست. آن چیزی که انتقام را بد جلوه می‌دهد، انتقام خواهی ناقح است. هرجایی از شاهنامه که ایرانی‌ها انتقام خواهی می‌کنند، انتقام آنها بحق است. بنابراین انتقام در این اثر، گاه به عنوان حقی مشروع تلقی می‌شود؛ البته در صورتی که بر پایه عدالت و حق خواهی باشد. نمونه‌هایی از داستان فریدون، ایرج، سیاوش و گریسوز وجود دارند که در این زمینه مطرح هستند.

انواع و اقسام مقوله‌های مربوط به «آز» در شاهنامه دیده می‌شود که می‌تواند انتقام، شر یا آیین‌های متفاوت به وجود آورد. نکته مهم دیگر آن است که فردی، بنا بر «آز» شیوه زیاده‌خواهی خود می‌خواهد ایران را تصرف کند، زمین بگیرد، یا قهرمانی ایرانی را اسیر کند، چون به نظر خودش باید قدرت برتر باشد. ایران در مقابل این از باید مقابله کند، و چه بسا که در این مقابله از زمین طرف هم به خودش اضافه می‌کند؛ اتفاقی که بسیار زیاد در شاهنامه روی می‌دهد. جالب است شاهان، پهلوانان و حتی کسانی که عکس‌العملی علیه «آز» نشان می‌دهند، تلاش می‌کنند داگر باشند. از سوی دیگر با آنکه فردوسی و شاهنامه به تبار، منش و نژاد ایرانی خیلی اهمیت می‌دهند اما به شخصیت‌های مثبت غیرایرانی بی‌احترامی نمی‌کنند، نمونه بارز آن رودابه (کابلی) است. پیران هم همینطور که البته این شخصیت در شاهنامه عاقبت بخیر نمی‌شود.

مذاکره در جهان اسطوره‌ای فردوسی، گرچه با دیپلماسی مدرن تفاوت دارد، اما ساختار و قواعد خاص خود را دارد. انواع مذاکره در شاهنامه شامل گفت‌وگوهای مستقیم

میان پهلوانان، پیام‌رسانی از طریق فرستادگان، نامه‌نگاری‌های سیاسی و استفاده از واسطه‌ها و مویدان است. در بسیاری از این مذاکرات، صحنه‌آرایی و نمایش قدرت نقش مهمی ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که فرستادگان پیش از شنیدن پیام، تحت تأثیر شکوه دربار، جایگاه شاه یا عظمت سپاه قرار می‌گیرند. این شیوه‌ها نشان‌دهنده نوعی درک سیاسی و روان‌شناختی در روایت‌های شاهنامه است.

بسیاری از سوسه‌تفاهم‌ها و تنش‌های امروز جهان ناشی از ناآگاهی فرهنگی و ناتوانی در شناخت متقابل است. شناخت ادبیات و اسطوره‌های یک ملت می‌تواند به درک عمیق‌تر رفتارها و ذهنیت‌های اجتماعی آن جامعه کمک کند. نمونه‌های برجسته از مذاکره در شاهنامه، ماجرای مکتوبات میان «پیران ویسه» و «گودرز» در داستان «دوازده رخ» است که نمونه‌های مهم از راهبردهای سیاسی، اخلاقی و روانی در فضای جنگی به شمار می‌آید.

این استاد دانشگاه در ادامه به بررسی نامه‌نگاری و مذاکرات در شاهنامه پرداخت و گفت: «پس از وارد آمدن خسارت‌های سنگین به سپاه توران و کشته شدن بسیاری از نزدیکان و فرماندهان پیران، او که وزیری خردمند و سیاستمدار معرفی می‌شود، تصمیم می‌گیرد از طریق نامه‌نگاری وارد مذاکره شود. پیران در نامه خود خطاب به گودرز، با یادآوری احترام و امان‌نامه‌ای که پیش‌تر از سوی ایرانیان دریافت کرده بود، تلاش می‌کند موضعی اخلاقی و انسانی به خود بگیرد و ایرانیان را به اتمام جنگ دعوت کند. پیران در این نامه می‌پرسد هدف واقعی از جنگ چیست؛ آیا هدف کشتار انسان‌ها بوده است یا تصرف سرزمین و به دست آوردن مال. او در ادامه پیشنهاد می‌دهد اگر مسأله بر سر سرقلرمی یا ثروت است، بخش‌هایی از سرزمین و اموال را واگذار خواهند کرد، اما جنگ و خونریزی متوقف شود. این نامه از نظر ساختار، زبان و شیوه اقناع، نمونه‌ای مهم از مذاکره سیاسی در شاهنامه به شمار می‌آید. اغلب این نامه‌ها با ستایش خداوند یا اشاره به فره ایزدی یادشاه آغاز می‌شوند و سپس وارد بیان حکمت، پند، تمثیل و طرح مسأله می‌شوند. در این متون، گذشته و پیشینه روابط طرفین نقش مهمی در استدلال و اقناع دارد و مذاکره صرفاً به معنای تبادل امتیازهای سیاسی یا نظامی نیست، بلکه نوعی تبیین هویت، اخلاق و جهان‌بینی نیز محسوب می‌شود. در بسیاری از موارد، پیش از آنکه پیام یا نامه‌ای خوانده شود، شکوه دربار، آرایش سپاه، لباس‌ها، هدایا و تشریفات، بر فرستاده یا مخاطب اثر روانی می‌گذارد. نمونه‌هایی از توصیف دربار فریدون و منوچهر در شاهنامه آمده که در آن‌ها، تخت شاهی، زیورآلات، سپاه، فیل‌ها و شکوه کاخ‌ها به‌گونه‌ای تصویر می‌شوند که پیام قدرت و اقتدار را پیش از آغاز گفت‌وگو منتقل کنند.

این پاسخ نیز ساختاری کاملاً منظم و مفهومی دارد. گودرز در جواب خود، بند به بند و موضوع به موضوع به سخنان پیران پاسخ می‌دهد و هیچ نکته‌ای را بی‌جواب نمی‌گذارد. این شیوه نوعی شماره‌گذاری مفهومی در مذاکرات شاهنامه توصیف می‌شود؛ بدین معنا که هر ادعا، اتهام یا پیشنهاد، مستقیماً پاسخ مستقلی دریافت می‌کند. گودرز در پاسخ خود تأکید می‌کند که آغازگر جنگ، تورانیان بوده‌اند و ایرانیان پیش‌تر حتی به پیران و خاندان او امان داده بودند. او همچنین پیران را به پیمان شکنی متهم می‌کند و یادآور می‌شود که تورانیان پیش‌تر نیز عهد خود را شکسته‌اند و نمونه بارز آن، سرنوشته سیاوش است. در این پاسخ، مفاهیمی چون وفاداری، عدالت، پیمان، خرد و مسئولیت اخلاقی، محور اصلی استدلال‌ها و تشکیل می‌دهند. در شاهنامه، مذاکرات و نامه‌نگاری‌ها تنها ابزار توقف جنگ نیستند، بلکه بخشی از فرآیند مشروعیت‌بخشی، تبیین مواضع و تعریف هویت طرفین به شمار می‌روند. به همین دلیل، حتی در شرایط جنگی نیز پاسخ‌گویی به مفاهیم و ارزش‌ها اهمیت دارد و صرفاً مسائل مادی یا سرزمینی تعیین‌کننده نیستند.»

سازگاری جنگ روانی در شاهنامه

ملک مرزبان در مفهوم «جنگ روانی» و «روان‌شناسی اجتماعی جنگ» را در شاهنامه مورد بررسی قرار داد و گفت: «بسیاری از رفتارها و آیین‌های جنگی، ریشه در سنت‌ها و ساختارهای اجتماعی دارند. نمونه‌هایی همچون نمک‌گیر کردن، استفاده از نمادهایی چون انگشتر و مهر حکومتی و بهره‌گیری از سنت‌های فرهنگی برای تأثیرگذاری بر دشمن از جمله عناصر جنگ روانی در شاهنامه هستند. جنگ در شاهنامه پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است و عوامل متعددی همچون قدرت‌طلبی، ایدئولوژی، سنت، جغرافیا، نژاد، سیاست، ادبیات و باورها، فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش دارند. در همین زمینه بار دیگر به مفهوم «آز» باز می‌گردیم و آن را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری بسیاری از جنگ‌ها نام می‌بریم. پژوهش‌هایی درباره مفهوم «آز» در متون کهن ایرانی داشته‌ام که در برخی منابع اسطوره‌ای، «آز» نه‌فقط یک صفت اخلاقی، بلکه دیوی ویرانگر و سیری‌ناپذیر معرفی شده است. فردوسی نیز آگاهانه از همین واژه در شاهنامه استفاده کرده و بارها آن را عامل اصلی خونریزی‌ها، جنگ‌ها و فروپاشی‌های اخلاقی دانسته است. شناخت ادبیات، اسطوره‌ها و روایت‌های تاریخی برای فهم بهتر جامعه ایرانی ضروری است. چراکه جوامع امروز همچنان تحت تأثیر روایت‌ها و الگوهای فرهنگی دیرینه خود قرار دارند، بدون شناخت این ریشه‌ها، فهم رفتارهای اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود.»

این نشست با پرسش و پاسخ حاضران درباره مفاهیم جنگ، مذاکره، روان‌شناسی اجتماعی و نقش اسطوره‌ها در فرهنگ ایرانی به پایان رسید.

آداب جنگ در شاهنامه

محمدجعفر یاحقی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی



شاهنامه راوی یک الگوی رفتاری، سیاسی و فرهنگی است که همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی، به‌خصوص نوع فرمانروایی در آن وجود دارد و به مسائل جنگ می‌پردازد. همه جنگ‌های تاریخ ایران به روایت شاهنامه، بیشتر مسالمت‌آمیز و تدافعی بوده‌اند و تمام آنها مبتنی بر مذاکره و ملاحظه هستند. به هیچ وجه جنگ‌های خونین و نبردهای منتهی به قتل‌عام در آن وجود ندارد و بیشتر جنگ‌های روایت شده در شاهنامه با مذاکره پیش می‌روند. یکی از نمونه‌های بارز جنگ‌های حساب شده و فرمانروایانه در شاهنامه، نبرد «دوازده رخ» است. این جنگ یکی از تعیین‌کننده‌ترین نبردها میان ایران و توران تلقی می‌شود و در عین حال، مبتنی بر یک سلسله مذاکرات بسیار دقیق و سنجیده است. از طرف ایران، گودرز فرمانروای کل سپاه است و از طرف توران هم پیران این وظیفه را عهده‌دار می‌شود. پیران یکی از شخصیت‌های مورد احترام شاهنامه بوده، آن هم با وجودی که به اردوگاه دشمن وابسته است اما در عین حال شخصیتی با تدبیر و سیاست دارد و پهلوانان و فرهنگ ایرانی با او به عنوان یک انسان میانه‌جی و صلح‌برخور می‌کنند.

در ابتدا ایران و توران با هم به مذاکره می‌پردازند تا حد امکان از پهلوانان و سربازان خود محافظت کنند، بنابراین فقط زورآزمایی میان آنها صورت می‌گیرد و هر طرف امتیاز بیشتری کسب کند، برنده جنگ خواهد بود. تصمیم می‌گیرند که ۱۲ پهلوان از هر دو طرف مبارزه انتخاب کنند، آنها دو به دو با هم بجنگند تا در نهایت پیروزی سهم یکی از آنها شود. جنگ هم به صورت دوستانه برگزار می‌شود و فقط با یکدیگر کشتی می‌گیرند. هر پهلوانی که امتیاز بیشتری کسب کند، بنا به تعبیر امروز برنده خواهد شد و دیگری به نفع او باید کنار برود. این نبرد همانند یک مسابقه فوتبال می‌ماند که در ده‌ه‌های مختلف انجام می‌شود، حذف صورت می‌گیرد و برنده‌ها به مرحله بالاتر می‌روند. افرادی از هر دو طرف برای این نبرد انتخاب می‌شوند، دو سپاه نیز در دو طرف، ناظر به نبرد آنها هستند. بنا به بسیاری از تحقیقات و مطالعات، احتمالاً صحنه این نبرد در خراسان در نزدیکی کناباد روستایی در نزدیکی زبید-اتفاق افتاده است؛ روستایی که از چند سال گذشته در حال بازسازی آن هستند و در تلاش هستند که این صحنه را زنده کنیم. به این ترتیب سپاه ناظر بر دو طرف نظارت می‌کنند و پهلوانان تک به تک و در موقع روز وارد میدان نبرد می‌شوند. جنگ‌های شاهنامه جنگ‌های شایسته نیستند و هیچ وقت در آن شبیخون جایی ندارد. به طور کلی، موقع استراحت جنگ ممنوع بوده است و فقط در یک ساعت خاصی دو سپاه در برابر هم قرار می‌گیرند، آن هم با تعیین وقت قبلی و با مذاکره از پیش صورت گرفته. آن دو نفر که قرار است با هم نبرد کنند در جلوی سپاه قرار می‌گیرند و هر کدام که پیروز شود، طبیعتاً نفر مقابل شکست می‌خورد.



نگاره رزم گودرز با پیران، برگی از شاهنامه شاه طهماسبی

خوشبختانه در بسیاری از نبردها سرداران و سربازان ایرانی پیروز می‌شوند. تا جایی این داستان ادامه پیدا می‌کند که همه پهلوانان در برابر هم قرار می‌گیرند. در نهایت خود گودرز و پیران باید با یکدیگر بجنگند. در این موقعیت بیشتر از گودرز، پیران است که سعی می‌کند تا صلح برقرار شود و کار جنگ فیصله و خاتمه پیدا کند. گودرز در طول جنگ‌های پیشین ایران و توران حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر از وابستگان خود را از دست داده است و به همین خاطر کینه دارد و صلح نمی‌خواهد. پیران اما بر سر مصالحه است و می‌خواهد این جنگ به صلح ختم شود. در نهایت گودرز نمی‌پذیرد و آن دو با هم جنگ می‌کنند و بالاخره در این صحنه نیز گودرز پیروز می‌شود.

هر دو پهلوان پیش از مبارزه به پیروان خود سفارش می‌کنند که هر کدام از ما کشته شدیم، طرف دیگر حق ندارد به سربازان دیگری تعدی یا آنها را غارت کند. هیچ تعرضی هم نباید صورت بگیرد. مسأله با کشته شدن یکی از پهلوانان تمام می‌شود و همه چیز سرانجام به صلح می‌رسد. این کاری است که در همه نبردهای شاهنامه اتفاق می‌افتد. هیچ وقت مردم عادی، شهرها و... درگیر جنگ نمی‌شوند. پهلوانان هستند و با نهایت شهامت، قدرت بدنی و قدرت نظامی همدیگر را خنثی می‌کنند. همه افراد هم قبول دارند که نباید قانون جنگی و قوانین صلح زیر پا گذاشته شود، این از خصلت‌های بارز شاهنامه است.

بجاست که یک کتاب در باب مسأله جنگ‌های شاهنامه و ریشه‌گذاری‌های آن نوشته شود. در جنگ‌های شاهنامه، اول قاصد می‌آید؛ او از امنیت جانی کامل برخوردار است و هیچ‌کس حق تعرض به او را ندارد. این قاصد برای مذاکره می‌آید تا دو طرف با هم قراردادی ببندند، جای مناسب را انتخاب کنند و هیچ وقت آب به روی همدیگر نمی‌بنندند و مطلقاً شبیخون در جنگ‌های شاهنامه وجود ندارد. در واقع جنگ جوانمردانه است و می‌توان گفت اصلاً جنگ نیست، همانند یک مسابقه است. یک مسابقه پهلوانی که با شرافت تمام انجام می‌شود و همیشه سرفرازی برای ایرانیان بوده و هست. فردوسی همیشه می‌گوید: «هرآشتی بهتر ز جنگ». این شعار شاهنامه است که آشتی و صلح را از جنگ بهتر می‌داند.



ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۱۳۳ • روابط عمومی: • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۳۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پدیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳



• امام علی (ع):

خرده‌های دانشمندان، در نوک قلم‌های آتھاست.

غیر الحکم: ۶۳۹



حسن روح‌الامینی در نقش میان میدان

نخستین رویداد هنری زنده در تجمعات مردمی با عنوان «نقش میان میدان» و با خلق اثر توسط «حسن روح‌الامینی» پنجشنبه شب در میدان تجریش برگزار شد. «نقش میان میدان» لحظه تولد یک اثر هنری را در بین مردم و میانه میدان به تصویر می‌کشد تا یادآور این حقیقت باشد که هنر اصیل، از متن جامعه می‌آید و دوباره به همان مردم بازمی‌گردد. در انتهای این رویداد، مردم که در میدان تجریش حضور داشتند از اثر خلق شده توسط حسن روح‌الامینی بازدید کردند. **ایلنا**



«بهناز نازی» در خواب مصنوعی

حمیدرضا ندیمی، بازیگر کارگردان تئاترو سینما گفت: «بهناز نازی بازیگر نقش «ننه آشوب» در سریال «جیران» در چند سال اخیر با بیماری می‌جنگید و هر چند وقت یک بار آن را شکست می‌داد و شرایط بهتری پیدا می‌کرد.» وی افزود: «حتی در یکی از دوره‌های شیمی درمانی، با وجود بیماری، ما یک نمایش بسیار دربار را در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا کردیم. در آن نمایش نقش مهمی را بازی می‌کرد. این بازیگر حدود یک هفته است که در کما است و همه ما را نگران کرده است. امیدوارم هرچه زودتر بهبود پیدا کند.» **امهر**



دیدار با «حسین محجوبی» در باغ موزه نگارستان

مراسم بزرگداشت دیدار با حسین محجوبی، هنرمند شناخته‌شده هنرهای تجسمی ایران، به مناسبت نود و ششمین سالروز تولد او، دیروز (جمعه، ۲۵ اردیبهشت ماه) در باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران برگزار شد. مؤسسه آینه‌داروران، نگارخانه آشیان نقش و مهر و خانه هنرمندان ایران، این رویداد را با هدف تجلیل از جایگاه این هنرمند تأثیرگذار در تاریخ هنر معاصر ایران برگزار کردند. حسین محجوبی، معمار، طراح بوستان و نقاش نوگرای ایران و از چهره‌های بین‌المللی هنر نقاشی است. **ایران**



مردم ترکیه پس از جنگ به زبان فارسی علاقه مند شده‌اند

تفاهنامه‌ای بین ماویکی از دانشگاه‌های قبرس منعقد شد و توانستیم در آنجا با آنکه نماینده رسمی بنیاد سعدی حضور نداشت، راه برای برگزاری دوره‌های زبان فارسی باز کنیم. شرایط جنگ تحمیلی اخیر در حوزه آموزش زبان فارسی بی‌تأثیر نبوده است، برخی از اتفاقات گرچه به همراه خود سختی‌هایی در داخل کشور دارد ولی در خارج از کشور منجر به این می‌شود که توجه به این فرهنگ و کشور زیاد شود. ما در ایام جنگ رمضان خیلی‌ها را می‌دیدیم و با مراجعه می‌کردند و اظهار علاقه داشتند که با زبان فارسی آشنا شوند تا از این طریق فرهنگ ایرانی را بشناسند. خیلی‌ها مراجعه می‌کردند و پیام می‌دادند که چگونه می‌توانیم زبان فارسی را یاد بگیریم. هم در حوزه زبان و هم در حوزه فرهنگ و حتی در حوزه دین هم بازخوردهایی داشتیم و فضای عمومی کشورهای پیرامون و با برخی از کشورهای جهان متأثر از این جنگ علاقه‌مند است تا بتواند با ایران، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شود.

گفت‌وگوی سیدقاسم ناظمی، رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و نماینده بنیاد سعدی با ایسنا



بازخوانی اولین نمایش فیلم «داستان‌های موازی»

اصغر فرهادی در جشنواره کن

تولد خلاقیت از دل آشفستگی

• گزارش

• گروه فرهنگی / حضور دهمین فیلم اصغر

فرهادی به نام «داستان‌های موازی» در هفتاد و نهمین دوره جشنواره کن، بار دیگر نام ایران و سینمای ایران را در کانون توجه جهانی قرار داد. نام اصغر فرهادی حالا یک برند معتبر سینمایی است که هر اثرش می‌تواند توجه مخاطبان جهانی سینما را جلب کند و این یک سرمایه فرهنگی بزرگ برای فرهنگ و هنر ایرانی است. فرش قرمز «داستان‌های موازی» پیش از اولین نمایش جهانی فیلم با حضور ستاره‌های سینمای فرانسه برگزار شد. ایزابل هوپر که تاکنون در کنار دیگر ستاره‌های سینمای فرانسه از جمله ونسان کسل، ویرژینی افرایا، آدام سباد در این مراسم حضور داشتند. فیلم جدید اصغر فرهادی در اولین نمایش جهانی خود از ساعت ۲۰:۳۰ در سالن لومیر کاخ جشنواره به نمایش گذاشته شد که با مدت زمان ۲ ساعت و ۲ دقیقه همزمان با رونمایی در جشنواره کن در تاریخ ۱۴ مه، اگران خود را در سینماهای فرانسه نیز آغاز کرد. این فیلم یکی از آثار بخش مسابقه اصلی جشنواره کن است و براساس قوانین این جشنواره همه آثار بخش مسابقه اصلی باید در سینماهای فرانسه اکران تجاری شوند.

واکنش‌های متفاوت به فیلم فرهادی

دهمین فیلم فرهادی که سومین فیلم او بعد از «گذشته» و «همه می‌دانند» است، خارج از جغرافیای ایران ساخته شده و همچون آثار قبلی او واکنش‌های متفاوتی در سراسر جهان و منتقدان همراه شد. برخی آن را نوعی ساختار شکنی و تجربه تازه در درون جهان سینمایی فرهادی دانستند و جسارت او در خلاقیت نورا تحسین کردند و برخی هم این تجربه



را به آشفستگی درام تعبیر کرده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این واکنش‌ها می‌پردازیم.

• داستانی درباره خلاقیت و تخیل

دیوید هاموند از نشریه ددلاین درباره فیلم جدید فرهادی در جشنواره کن نوشت: «اصغر فرهادی کارگردان بزرگ ایرانی، برای نخستین بار با فیلمی که در اولین نمایش خود در پنج سال اخیر ساخته شد و بدون شک جزو بهترین کارهایش به شمار می‌رود، به رقابت کن بازمی‌گردد. این یک سطح بالا و دشوار است؛ زیرا دو تا از فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین» (۲۰۱۱) و «فروشنده» (۲۰۱۶)، هر دو برنده جایزه اسکار بهترین فیلم بین‌المللی شده‌اند.

آخرین فیلم او «قهرمان» (۲۰۲۱) نیز جایزه بزرگ هیأت داوران کن را از آن خود کرد. به گفته هاموند: «فرهادی با بازگشت با فیلم کیرا و بازیگرینی شده و هوشمندانه «داستان‌های موازی» و دوباره کار کردن در خارج از کشورش، یک فیلم فرانسوی ساخته است که به طرز ماهرانه‌ای سرگرم‌کننده است؛ داستانی پیچ‌درپیچ و هوشمندانه که به شکلی آزادانه از مجموعه ۱۰ قسمتی «کالوک» (ده فرمان) ساخته کریستوف کیشلوفسکی» کارگردان فقید

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

•

نیاز مبرمی به بازگشت به خانه و بودن با خانواده‌ام دارم

اصغر فرهادی، در حاشیه جشنواره فیلم کن و در گفت‌وگو با یک خبرنگار فرانسوی از احساس نیاز مبرم برای بازگشت به ایران صحبت کرد. او درباره اینکه چگونه می‌توانید وقتی کشور مادریتان، ایران، درگیر جنگ است کار کنید و چطور می‌توانید آرامش لازم و کافی برای خلق کردن را پیدا کنید، گفت: «من برای کار به خارج می‌روم، اما به محض اینکه کار تمام می‌شود، احساس می‌کنم که نیاز مبرمی به بازگشت به خانه و بودن با خانواده‌ام دارم.»

فرهادی در مورد نیاز به آرامش برای ساخت فیلم هایش گفت: «فکر نمی‌کنم آرامش، لازم یا پیش‌نیاز خلق کردن باشد. برعکس، احساس می‌کنم که خلاقیت از یک حالت آشفستگی، یک حالت اضطراب، یک آشفستگی سرچشمه می‌گیرد.» او با توضیح اینکه از این احساس اضطراب خوشحال نیست، گفت: «این لزوماً چیز خوبی نیست، من از آن خوشحال نیستم، اما این احساس نیاز به نوشتن در مورد تمام آشفستگی‌هایی است که شما را احاطه کرده است، تمام رنج‌هایی که شما را به سمت خلق کردن، تلاش برای مشارکت در تلاش برای بهبود جهان سوق می‌دهد.»

اصغر فرهادی همچنین افزود: «خیلی خوشحالم که در کنار این تیم دوست‌داشتنی این فیلم را دیدیم. کار کردن با این تیم مثل یک هدیه کامل بود. یک اتفاقی امروز افتاد. اولین کسی که این پروژه را پیشنهاد داد و من درباره آن فکر کردم یک نویسنده لهستانی به نام کریستوف پیسیوچ بود که خیلی از فیلم‌های کیشلوفسکی را با او کار کرده بود. او اولین صحبت که سعی کردم من را برای ساخت این فیلم تشویق کند به من گفت: «من دوست دارم که تو این فیلم را بسازی و من آن را ببینم. اما درست پیش از فرش قرمز، خبر رسید که کریستوف فوت کرده و فکر می‌کنم باید اکران امشب را تقدیم کنیم به این نویسنده بزرگ تاریخ سینما.»

سردرگم‌کننده و نسبتاً معمولی درباره فراداستان، خیانت و پیوند ادعایی بین

کاملاً پدیع و در هر سطحی لذیذ ساخته شده است. این یکی از آن داستان‌های استثنایی با شخصیت‌های عالی است که شما را از همان ابتدا می‌گیرد و یک لحظه رهاپتان نمی‌کند. حتی در موقعیت دشواری مثل این فیلم، یک قدم اشتباه وجود ندارد، چیزی که در مورد بیشتر فیلم‌هایی که تا قبل از کن و در اینجا دیده‌ام، صدق نمی‌کند. این فیلم احتمالاً از نظر سبک و مهارت محض فیلم‌سازی، بهترین کار فرهادی باشد و برای من مسلماً بهترین کار او پس از «جدایی نادر از سیمین» است.» «داستان‌های موازی» فیلمی ماندگار است، داستان‌هایی که به خوبی روایت شده‌اند.

درام سرگرم‌کننده و نسبتاً معمولی

پیتربردشاو، منتقد ارشد گاردین هم با اعطای ۳ ستاره از ۵ ستاره درباره فیلم «داستان‌های موازی» نوشت: «اصغر فرهادی، کارگردان و نویسنده ایرانی، با یک درام متوسط و جذاب درباره فراداستان که در آن کاترین دنون نقشیه کوتاه دارد، به فرانسه بازگشته است. فرهادی کارگردان روشنفکر ایرانی است که سبک فیلمسازی‌اش همواره تأثیرات بالایی اروپایی داشته و هانکه را نشان داده است. او در واقع دو فیلم در اروپا ساخته است: «گذشته» در فرانسه و «همه می‌دانند» در آسیای شرقی.

به گفته بردشاو: «حالا او با این درام



تماشاگرایی پنهانی و خلاقیت، به فرانسه و زبان فرانسوی بازمی‌گردد. آیا نویسندگان،

چیزی که دقیقاً با ذائقه جشنواره‌ای مثل کن همخوانی داشت. اکنون در کن ۲۰۲۶، اصغر فرهادی با «داستان‌های موازی» بار دیگر به مسابقه اصلی بازگشته است؛ فیلمی که در پاریس ساخته شده و بازیگرانی چون ایزابل هوپر، کاترین دنو و ونسان کسل در آن حضور دارند.

این حضور، تنها بازگشت یک فیلمساز موفق به کن نیست؛ نشانه استمرار جایگاه سینمای ایران در مهم‌ترین آوردگاه سینمای جهان است. فرهادی در این سال‌ها ثابت کرده که بیش از هر فیلمساز ایرانی دیگری، راوی زندگی مدرن ماست. او بدون شعار، بدون قهرمان‌سازی و بدون قضاوت مستقیم، انسان معاصر را در پیچیده‌ترین موقعیت‌های اخلاقی قرار می‌دهد. شخصیت‌های او نه کاملاً خوب‌اند و نه کاملاً بد؛ بلکه مثل همه ما، گرفتار تردید، ترس، غرور و اشتباه‌اند. همین انسانی‌گرایی بی‌ادعا، سینمای او را جهانی کرده است.

فرهادی در مهم‌ترین سینمای ایران در کن فقط به استعداد فیلمسازان خلاصه نمی‌شود. بخشی از این موفقیت، حاصل بسترهایی است که فیلمساز ایرانی را به سمت فرصت‌ها سوق داد. صداهای انسانی جهان معاصر است.

آورد و فرهادی را به یکی از مهم‌ترین فیلمسازان معاصر جهان تبدیل کرد. اکنون در کن ۲۰۲۶، اصغر فرهادی با «داستان‌های موازی» بار دیگر به مسابقه اصلی بازگشته است؛ فیلمی که در پاریس ساخته شده و بازیگرانی چون ایزابل هوپر، کاترین دنو و ونسان کسل در آن حضور دارند.

این حضور، تنها بازگشت یک فیلمساز موفق به کن نیست؛ نشانه استمرار جایگاه سینمای ایران در مهم‌ترین آوردگاه سینمای جهان است. فرهادی در این سال‌ها ثابت کرده که بیش از هر فیلمساز ایرانی دیگری، راوی زندگی مدرن ماست. او بدون شعار، بدون قهرمان‌سازی و بدون قضاوت مستقیم، انسان معاصر را در پیچیده‌ترین موقعیت‌های اخلاقی قرار می‌دهد. شخصیت‌های او نه کاملاً خوب‌اند و نه کاملاً بد؛ بلکه مثل همه ما، گرفتار تردید، ترس، غرور و اشتباه‌اند. همین انسانی‌گرایی بی‌ادعا، سینمای او را جهانی کرده است.

فرهادی در مهم‌ترین سینمای ایران در کن فقط به استعداد فیلمسازان خلاصه نمی‌شود. بخشی از این موفقیت، حاصل بسترهایی است که فیلمساز ایرانی را به سمت فرصت‌ها سوق داد. صداهای انسانی جهان معاصر است.



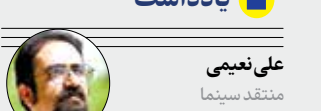
راوی تهران مدرن بود؛ راوی آدم‌هایی که در تلاقی اخلاق، دروغ، حقیقت، قضاوت و فروپاشی قرار گرفته‌اند. «درباره‌الی» در سال ۲۰۰۹، اولین شوک بزرگ فرهادی به سینمای جهان بود. فیلمی که بحران اعتماد و دروغ را در دل یک سفر ساده دوستانه روایت می‌کرد و نشان داد سینمای ایران می‌تواند بدون

اتکا به فقر یا العان‌های شرقی، مخاطب جهانی را درگیر کند. اما «فروشنده» در ۲۰۱۶ اوچ این مسیر بود؛ فیلمی که جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد را برای شهاب حسینی به ارمغان

نگاهی به حضور سینمای ایران در جشنواره کن: از «گاو» تا «داستان‌های موازی»

شش دهه روی فرش کن

• یادداشت



علی نعیمی
منتقد سینما

در تاریخ سینمای جهان، کمتر کشوری خارج از مدار سینمای صنعتی غرب توانسته حضوری مداوم، اثرگذار و هویت‌ساز در جشنواره فیلم کن داشته باشد؛ حضوری که نه مقطعی و اتفاقی، بلکه به یک «سنت فرهنگی» بدل شده باشد. سینمای ایران اما طی بیش از شش دهه، از «گاو» داریوش مهرجویی تا «طعم گیلان» عباس کیارستمی، از «فروشنده» اصغر فرهادی تا نخل طلای جعفر پناهی برای «یک تصادف ساده»، توانسته جایگاهی کم‌نظیر در مهم‌ترین جشنواره هنری جهان برای خود تثبیت کند؛ جایگاهی که حالا در کن ۲۰۲۶ نیز با حضور اصغر فرهادی و تازه‌ترین فیلمش «داستان‌های موازی» ادامه پیدا کرده است. کن برای سینمای ایران هرگز فقط یک

چیزی که دقیقاً با ذائقه جشنواره‌ای مثل کن همخوانی داشت. اکنون در کن ۲۰۲۶، اصغر فرهادی با «داستان‌های موازی» بار دیگر به مسابقه اصلی بازگشته است؛ فیلمی که در پاریس ساخته شده و بازیگرانی چون ایزابل هوپر، کاترین دنو و ونسان کسل در آن حضور دارند.

این حضور، تنها بازگشت یک فیلمساز موفق به کن نیست؛ نشانه استمرار جایگاه سینمای ایران در مهم‌ترین آوردگاه سینمای جهان است. فرهادی در این سال‌ها ثابت کرده که بیش از هر فیلمساز ایرانی دیگری، راوی زندگی مدرن ماست. او بدون شعار، بدون قهرمان‌سازی و بدون قضاوت مستقیم، انسان معاصر را در پیچیده‌ترین موقعیت‌های اخلاقی قرار می‌دهد. شخصیت‌های او نه کاملاً خوب‌اند و نه کاملاً بد؛ بلکه مثل همه ما، گرفتار تردید، ترس، غرور و اشتباه‌اند. همین انسانی‌گرایی بی‌ادعا، سینمای او را جهانی کرده است.

فرهادی در مهم‌ترین سینمای ایران در کن فقط به استعداد فیلمسازان خلاصه نمی‌شود. بخشی از این موفقیت، حاصل بسترهایی است که فیلمساز ایرانی را به سمت فرصت‌ها سوق داد. صداهای انسانی جهان معاصر است.